

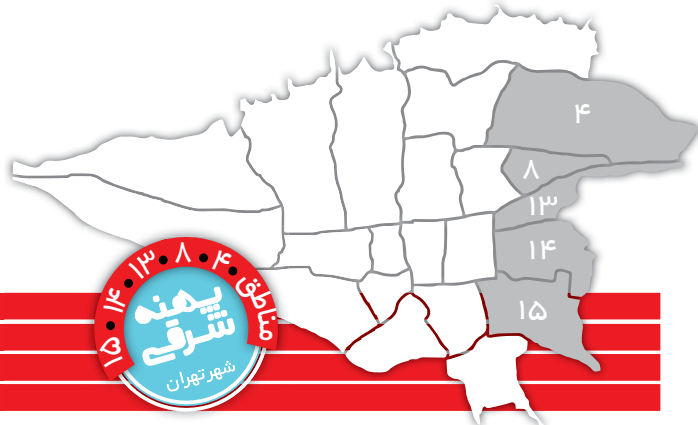


زنده‌یاد علی انصاریان
به روایت اقوام نزدیکش

دریغا از آن مرد هزار لبخند

وسعت دل آدم‌ها به اندازه صفای وجودشان است، هرچه دریا دل‌تر،
باصفا تر، این‌گونه افراد مرام خودشان را دارند.

- سه‌شنبه
- ۲۶ اسفند ۱۳۹۹
- سال شانزدهم / شماره ۷۹۵
- ۱۶ صفحه



نوروز برای امیر کربلایی زاده
یاد آور عیدی و اسکناس تا نخورده‌است

آرزویم برباد رفتن کروناست

صفحه ۱۱

عکس: محمد عباس‌نژاد



روز عید فوتبال خانوادگی بازی می‌گردیم

گفت‌وگوی نوروزی با احسان قائم مقامی
استاد شطرنج ایران - که به تازگی پدر شده است

در نوجوانی وارد دنیای حرفه‌ای شطرنج شده و از افتخاراتش همین بس
که سال‌ها رکورددار بالاترین رده بین‌المللی فدراسیون جهانی شطرنج
بوده است.

صفحه ۷



استقبال از بهار با بدرقه «سرماپیرزن»

آشنایی با آیین‌ها و رسوم عید
به روایت یکی از قدیمی‌های محله دولاب

عید نوروز، سنتی به یادگار مانده از
دوران قدیم است که هر ساله با تمام شدن فصل
زمستان، آمدنش را جشن می‌گیریم.

صفحه ۱۲



آغاز غربالگری کرونا

همزمان با شدت گرفتن شیوع ویروس کرونا و با توجه به اینکه احتمال داشت همه شهروندان منطقه ۸ در سامانه ۴۰۳۰ (طرح ملی غربالگری کرونا) ثبت‌نام نکنند، با استقرار اپراتورهای این سامانه در خانه‌های سلامت‌سراهای محله، غربالگری صورت گرفت. به‌طوری که در این طرح بانک اطلاعاتی خانوارها تهیه شده بود و با در دست داشتن اطلاعات اولیه اپراتورها در تماس روزانه اطلاعات میانگین ۲ تا ۳ هزار نفر از شهروندان را در سامانه ۴۰۳۰ ثبت کردند. این میان روزانه سلامت ۳ گروه پرخطر که ریسک بالای ابتلا به کرونا را داشتند شامل سالمندان، معلولان و بیماران دایمی در هر محله، کنترل شد. این طرح در سایر مناطق هم به اجرا درآمد.



آزادسازی اراضی تصرف شده

چهار هکتار از اراضی شرق تهران در این ماه رفع تصرف و آزادسازی شد. با پیگیری‌های مداوم شهرداری منطقه ۱۳ و هماهنگی انجام شده با مراجع ذریع، آزادسازی اراضی موصوف در دستور کار قرار گرفت. با برنامه‌ریزی انجام شده و عزم شهرداری منطقه و سازمان‌های ذی‌صلاح، بیش از ۴ هکتار از اراضی تصرف‌شده، با هدف صیانت از اموال عمومی آزادسازی شد.

«هایپرگل» در بوستان آب

نخستین مجموعه عرضه گل و گیاه در بوستان آب فلکه اول تهرانپارس منطقه ۸ با هدف دسترسی آسان اهالی به انواع گل و گیاه رسماً فعالیتش را شروع کرد. در این مرکز انواع گل و گیاه زینتی، آپارتمانی و ملزومات گلکاری و پرورش گل و گیاه، خاک و کود و... عرضه می‌شود. این هایپر گل در مساحتی بالغ بر ۵۰۰ مترمربع در ۲ طبقه ساخته شده و گیاهان در فضایی تلفیق از باغچه و کافی‌شاپ در معرض دید عموم قرار گرفته است. همچنین کافی‌شاپ این مجموعه نیز با گل و گیاهان مختلف برای اوقات فراغت شهروندان تزیین و طراحی شده‌است.

طراحی «خیالستان زندگی»

طرح «خیالستان زندگی» در بزرگراه امام علی (ع) برای رفع محدودیت فضاهای عمومی تهران در حدفاصل بل ستاری تا بل شهید حیدری منطقه ۸ آغاز شد. این طرح با محله‌های سیلان و لشکر ارتباط مستقیم و با محله‌های تسلیحات و وحیدیه ارتباط غیرمستقیم دارد. این دو محور، با عرضهای ۲۵ مترمربع، روی ایل به فاصله ۲۵ هزارمترمربع، روی بزرگراه امام علی (ع) به هم پیوند می‌خورند.

پس از ۱۱ سال رستگاری

سرانجام پس از ۱۱ سال فعالیت پروژه بزرگراهی شهید نجفی رستگار دی ماه به پایان رسید. این بزرگراه به طول ۶/۷ کیلومتر با هدف کاهش ترافیک بزرگراه امام رضا (ع) و رفع گر‌های ترافیکی که در محدوده گردنه تنباکویی تا تقاطع امام رضا (ع) با بزرگراه آزادگان و بسیج وجود داشت، ایجاد شده‌است.

بهره‌برداری از طرح ساماندهی فلکه دوم نیروی هوایی

پروژه ساماندهی و ارتقای کیفی فلکه دوم نیروی هوایی به مساحت ۱۵ هزار و ۸۰۰ مترمربع در منطقه ۱۳ به بهره‌برداری رسید. به گفته «مجتبی شکری» شهردار منطقه ۱۳ پروژه بازسازی و بهسازی فلکه دوم نیروی هوایی به‌صورت مشترک بین شهرداری منطقه و سازمان زیباسازی انجام شد. در این پروژه حفظ هویت محله به‌عنوان اولویت اصلی در نظر گرفته و در واقع پروژه با نگاه و توسط مردم ایجاد شد. ایمنی شب‌ها و نورپردازی‌ها و از تباط شهروندان در بهسازی فلکه دوم به‌طور مناسب رعایت شده و از مصالح معتبر استفاده و در مجموع به هویت شهری، ارتباط شهروندان در فضای سبز و محیط پیرامونی توجه شده‌است. فلکه دوم نیروی هوایی با هزینه‌ای حدود ۱۰ میلیارد تومان بهسازی و مرمت شد.

فروردین

زدیبهشت

خرداد

تیر

مرداد

شهریور

مهر

آبان

آذر

دی

بهمن

اسفند

رویدادهای مهم شرف پایتخت روی خط زمان

سخت‌گوشی در سال سخت

استادیوم تختی ثبت ملی شد

استادیوم تختی که در محدوده منطقه ۴ قرار دارد، به دلیل قدمت و معماری چشم‌نوازش در فهرست آثار میراث فرهنگی کشورمان قرار گرفت. ساخت این مجموعه به ۵۵ سال پیش برمی‌گردد. استادیوم تختی تنها ورزشگاه سرپوشیده ایران است که برای برگزاری بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ ساخته شد. این مجموعه را «جهانگیر درویش» از آرشیستک‌های سرشناس معاصر ساخته‌است. استادیوم تختی از جاذبه‌های دیدنی تهران است که معماری منحصر به فردی دارد. اینجا پنجمین ورزشگاه بزرگ ایران و در شرق تهران قرار گرفته‌است. این مجموعه ورزشی به غیر از اجرای برنامه‌های ورزشی و مسابقات کشوری و بین‌المللی، می‌تواند محلی برای گردشگری باشد. مجموعه ورزشی تختی سال‌های متعدد و امکانات خوبی دارد.

بازگشایی فاز ۲ باغ پرندگان

با توجه به ریشه‌کن نشدن ویروس کرونا درهای فاز دو باغ پرندگان از تیرماه به‌رویی شهروندان باز شد و با پذیرش محدود میزبان گردشگران بود. در ورودی باغ هم اقدامات پیشگیرانه از جمله الزام به ضدعفونی دست‌ها و همراه داشتن ماسک اجرا و همچنین گندزدایی روزانه میلمان داخل باغ و بوفه و رستوران انجام می‌شد. فاز ۲ باغ پرندگان هم شامل انواع پرندگانی وحشی که زیگستره توری به ارتفاع ۵۰ متر آزادانه و در کنار بازدیدکنندگان پرواز می‌کنند، هم میزبان گردشگران شد. همچنین فاز اول باغ پرندگان هم که همزمان با شیوع کرونا بسته شده بود، بعد از ۴ ماه تعطیلی، تیرماه با پذیرش نیمی از ظرفیت، بازگشایی شد.

ساخت مجموعه تفریحی و تجاری «ری فورت»

پروژه مرکز تجارت جهانی «ری فورت» با هدف تأمین زیرساخت‌های منطقه ۱۵ او با رویکرد باز آفرینی محور فدا بیان اسلام با موافقت کمیسیون ماده ۵ در محله گیانشهر آغاز شد. این پروژه محرک توسعه در زمینی به مساحت ۱۴ هزارمترمربع با یکصد و ۵۰ هزارمترمربع زیر بنا در ۱۱ طبقه طراحی شده‌است. این پروژه با طراحی ویژه و دسترسی‌های مطلوب، در دو بخش شمالی و جنوبی و ایجاد هزار و ۵۰۰ فرصت شغلی جدید، شامل مراکز خرید، دفاتر اداری، واحدهای تجاری، هتل پنج ستاره، مراکز تفریحی فرهنگی مانند شهربازی، باغ کتاب، سینما است. همچنین این مجموعه امکانات دیگری چون باغ وحش مینیاتوری، نمایشگاه خودروهای کلاسیک، پارکینگ طبقاتی و... نیز خواهدداشت.

بازگشایی بوستان وثوق‌الدوله

بعد از ماه‌ها انتظار بوستان وثوق‌الدوله آذر ماه به بهره‌برداری رسید. این باغ که حالا بوستان سلیمانیه نامیده می‌شود، از مکان‌های تاریخی و هویتی منطقه ۱۴ است که قدمت آن به ۱۵۰ سال پیش برمی‌گردد. این باغ را وثوق‌الدوله با حسن خان نخست وزیر ساخته و به قول معروف خانه ییلاق او بوده‌است. این باغ ۲ هزار و ۳۰۰ مترمربعی، بعد از تملک توسط شهرداری، بهسازی محوطه و عمارت آن را سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران به عهده گرفت.

افتتاح پردیس سینمایی «نار سبیس»

پردیس سینمایی «نار سبیس» به‌عنوان نخستین پردیس سینمایی شرق تهران در محله تهرانپارس افتتاح شد. این پردیس سینمایی به مدیریت «حسین اسماعیلی» تهیه‌کننده و پیشگام سینما راه‌اندازی شده و ۴ سالن سینما و تئاتر به ظرفیت ۴۵۰ نفر دارد و امکانات به روز سیستم صوتی و تصویری تجهیز شده‌است. بلیت‌فروشی آن فقط آنلاین و از طریق سامانه‌های فروش بلیت سینما انجام می‌شود. فعالیت این پردیس همزمان با برگزاری جشنواره فیلم فجر آغاز و در آن همزمان با کاج جشنواره از آثار بخش مسابقه جشنواره رونمایی شد. پردیس سینمایی نارسس در محله تهرانپارس، خیابان آیت‌الله خوشوقت، قرار دارد.

حرکت اربابه‌های شادی در محله‌ها

حاجی فیروز، سبزه و سنجید، عروسک‌های غول‌بیکر همگی در خیابان‌ها راه می‌افتند و فرار سیدن نوروز را خبر می‌دهند. آنها از این هفته در قالب کاروان‌های نوروزی که در آستانه سال نو در همه محله‌های شرق پایتخت به حرکت در می‌آید، پیام‌آور بهار و شادمانی خواهند بود. این کاروان‌ها در هر یک از مناطق به شکل خاص خود و در محدوده‌های ویژه اجرا می‌شود.

نوروزخوانی و اجرای موسیقی محلی

کاروان‌های نوروزی منطقه ۴ با هدف ایجاد روحیه نشاط و با برنامه‌های شاد و متنوع مانند نوروزخوانی و اجرای موسیقی محلی به همراه حرکت اربابه‌های شادی شامل نمادهای هفت‌سین و سه چرخه‌های گل‌آرایی شده با راکبان عمو نوروز و حاجی فیروز با رعایت کامل نکات بهداشتی در همه محله‌های ۲۰ گانه منطقه ۴ به حرکت در می‌آیند. به گفته «محمد خادمی» معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۴، حرکت کاروان‌های نوروزی از اواخر اسفند ۹۹ آغاز می‌شود و تا ۱۲ فروردین ۱۴۰۰ هر روز به مدت ۲ ساعت ادامه دارد.

حرکت کاروان‌های نوروزی در معابر منطقه ۱۳

امسال برای نخستین بار چندین کاروان اقوام ایرانی، عمو نوروز، سه چرخه‌های نوروزی، عروسک‌های غول‌بیکر و... قبل از عید در خیابان‌های اصلی سیزدهمین تکه پایتخت به راه افتاده و موجب ایجاد نشاط و شادای قبل از نوروز خواهد شد. «مجتبی توسلی» معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۱۳ در این‌باره می‌گوید: «۲۰ کاروان تا پایان تعطیلات نوروزی اجرای برنامه خواهد داشت، این کاروان‌ها با طراحی شخصیت‌ها و نماد نوروز و اجرای سفره هفت‌سین همراه با موسیقی زنده در محله‌ها پیام‌آور، زایش و تولد بهار و کلام‌شنان حاکی از زودن کهنگی و برپایی آیین دوستی است.»



آموزش مقابله با کرونا در نوروز

کساروان بزرگ نوروزی منطقه ۴ یک کاروان فرهنگی و هنری است که با حضور در محله‌ها و میدان‌های اصلی جشن و سرور برپا می‌کند. «سعید تیموری» معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۴ در این‌باره می‌گوید: «حضور گروه اقوام ایرانی، حاجی‌فیروزها، عمو نوروز، تخم‌مرغ‌های رنگی، عروسک‌های بزرگ، نوروزگاه سیار و تن‌پوش‌های سفره هفت‌سین از جمله مواردی است که در این کاروان به نمایش گذاشته می‌شود. این کاروان علاوه بر اجرای برنامه‌های مفرح نکات آموزشی درباره راه‌های مقابله با بیماری کرونا هم به شهروندان ارائه می‌دهند.»

نوروزگاه سیار به محله‌ها می‌آید

۱۰ کاروان نوروزی در میدان‌ها و معابر اصلی و پر تردد منطقه ۱۵ از امروز آغاز به کار می‌کند. «حیدر ضار انارکی محمدی» شهردار منطقه ۱۵ در این‌باره می‌گوید: «ایجاد نوروزگاه سیار شامل یک کامیون مجهز به استیج و سیستم صوت در محله‌های محروم از جمله برنامه‌های این کاروان خواهد بود. این کاروان‌ها در ۱۰ روز آینده برای شهروندان برنامه اجرا می‌کنند. حرکت کاروان‌های شیرخوارگاه شبیر و میدان خراسان در ناحیه یک، بلوار شاهد و بوستان امید در ناحیه ۲، شهرک شاهد در ناحیه ۳، بوستان کوهسار در ناحیه ۴، ۲۰ متری افسریه در ناحیه ۵ و ورودی محله مسعودیه در ناحیه ۶ برنامه‌ریزی شده‌است.»



زنده‌باد علی انصاریان
به روایت اقوام نزدیکش

دریغ از آن مرد هزار لبخند



روزگان مهرابی

وسعت دل آدم‌ها به اندازه صفای وجودشان است، هر چه دریا دل‌تر، باصفا تر، این‌گونه افراد مرام خودشان را دارند. جنس خمیره‌شان انگار فرق می‌کند. بی‌ریاستند و بی‌تکلف. زیبایی‌های دنیا را بیشتر برای دیگران می‌خواهند تا خودشان. با شادی مردم شاد می‌شوند و از غم‌شان غمگین. البته تعدادشان در عصری که برخی از افراد همدیگر را نردبان ترقی خود می‌کنند، شاید زیاد نباشد اما یکی‌شان کار صدها نفر را می‌کند. نمونه بارزش همین زنده‌باد «علی انصاریان» خودمان، بچه با مرام محله غیائی، کسی که نه به دلیل فوتبالیست بودن یا هنر پیشگی در دل‌ها جا داشت بلکه بیشتر خصلت و خوی مردانگی او بود که باعث شد نامش بر سر زبان‌ها بیفتد. دست آخر هم خدمت به پدر و مادر و دستگیری از افتادگان عاقبت به خیرش کرد. «علی انصاریان» به روایت اقوام و دوستان، مردی بود که بی‌توقع محبتش را نثار دوست و آشنا می‌کرد. رفتارهای غیرمنصفانه را زود می‌بخشید چرا که همیشه معتقد بود دنیا ارزش بدی کردن را ندارد. او خوب زندگی کرد و با رفتنش نام نیکی از خود به جای گذاشت. اگر می‌خواهید بیشتر درباره او بدانید همراه ما مهمان خانه «ربابه انصاریان» عمه بزرگ او شوید.



خانه «ربابه انصاریان» عمه بزرگ علی در یکی از کوچه‌های محله غیائی است، جایی که علی در آن بزرگ شد و شخصیتش شکل گرفت. روی دیوار خانه، کنار عکس شهید «محسن دباغی»

پسر عمه ربابه عکس علی برادرزاده‌اش نصب شده است. در اینجا رد پای از عید دیده نمی‌شود. دیروز مراسم چهلیم علی بوده و امروز عمه اصلاً سرحال نیست. می‌گوید: «برادرزاده خیلی عزیز است. خیلی. به خصوص علی که با رفتنش داغ محسوم را تازه کرد.» چه خوب می‌شد که مادر و خواهر علی هم در این گفت‌وگو حضور داشتند اما عمه



ربابه انصاریان عمه بزرگ علی

ربابه متذکر می‌شود، آنها شرایط مساعدی ندارند و اصلاً حالشان خوب نیست. بعد هم می‌گوید: «این روزها فقط مادر و خواهر علی نیست که بی‌تاب و بی‌قرار هستند، همه اقوام غمزده و ناراحتند. او گل سرسید فامیل بود که خیلی زود پرکشید.» مرور خاطرات خوش علی، خنده‌ها و بیشتر از آن مهربانی‌اش باعث شده این روزها جای خالی او بیشتر از پیش نمود کند. عمه از علی می‌گوید که با همه موفقیت‌هایی که در زندگی کسب کرده بود ذراتی تکر در او وجود نداشت. تعریف می‌کند: «علی هر زمان یکی از عموها یا عمه‌ها را می‌دید خودش را در آغوشان می‌انداخت و بوسه بارانمان می‌کرد. این اخلاق را از بچگی‌اش داشت. در صورتی که کم نیستند کنسپاتی که تا موقعیت مالی یا شغلی خوبی پیدا می‌کنند، سرسنگین می‌شوند و ارتباطشان را بنا فامیل کم‌رنگ می‌کنند. اما او بی‌ادعا بود. بی‌تکلف. مغرور نبود برای همین همه او را دوست داشتند.»

هم زدم، هم خوردم

به گفته عمه ربابه علی بچه پرتحرکی بود به گونه‌ای که لحظه‌ای او را بی‌جنب و جوش نمی‌توانستی ببینی. مرتب به زمین خاکی خیابان غیائی می‌رفت و فوتبال بازی می‌کرد. اینکه چطور وارد تیم نوجوانان شده و سر از

زحمت زیادی به پای برادرم کشید

عمه ربابه ۱۴ تیرماه سال ۵۶ را هیچ‌وقت از یاد نمی‌برد. روزی که برادرش اسماعیل خبر تولد علی را به او داد. اسماعیل در یک شرکت



شیخ حسین انصاریان، عموی بزرگ علی: به تمام معنا فروتن بود

شیخ حسین انصاریان عموی بزرگ علی، فوت برادرزاده‌اش را اتفاقی تلخ می‌داند. او می‌گوید: «برای تحمل این مصیبت فقط باید صبوری کرد و تسلیم امر پروردگار بود.» او در ادامه به ویژگی مهم علی اشاره می‌کند و آن ارادت به اهل‌بیت(ع) است. می‌گوید: «او متدین و معتقد بود. در مسجد بزرگ شده و شکل گرفته بود. برای همین به اصول دینی پایبند بود. یک جوان به تمام معنا فروتن با اخلاقی نیک که هیچ‌وقت چهره عبوس و تلخ نداشت. از همه مهم‌تر احترام زیادی به پدر و مادرش می‌گذاشت و عاشقانه به آنها خدمت کرد. همین دلیل مهمی است که چه در زمان حیات و چه بعد از رفتنش در بین مردم محبوب باشد. بعد از فوت برادرم نداشتند مادرش لحظه‌ای احساس تنهایی و فراق کند. سنگ تمام گذاشت.» او در ادامه به جوانان محله تأکید می‌کند که تا جایی که می‌توانند به والدین خود خدمت کرده و حرمت آنها را نگه دارند.

برایم باقالی پلو پیزا!

«خدیجه انصاریان» عمه کوچک علی است. از قرار معلوم ارتباط نزدیکی بین همین‌شان برقرار بوده به گونه‌ای که حالا عمه خدیجه از فراق برادرزاده بیمار شده است. او می‌گوید: «علی بچه پر شر و شوری بود و سرتوترسی داشت. از ۶ سالگی با برادرم به استادبوم می‌رفت. برادرم خیلی به خانواده اهمیت می‌داد. او هر جمعه به استادبوم می‌رفت. بعد با آب و تاب بازی را تعریف می‌کرد. می‌گفت عمه من یک روز وسط زمین بازی می‌کنم. قبل از اینکه به کرونا مبتلا شود به من زنگ زد. مرتب این کار را می‌کرد. گفت عمه می‌خواهم به دیدنیت بیایم. برایم باقالی پلو درست کن. این غذا را خیلی دوست داشت اما افسوس که عمرش کفاف نداد.»



خدیجه انصاریان

تکیهات به خدا باشد

خاطرات خوش
محمد مهدی خرمیان از
علی انصاریان

«محمد مهدی خرمیان» پسر عمه «علی انصاریان» و دوست صمیمی او بوده است. او هنوز رفتن علی را باور ندارد. خرمیان شاید بیشتر از همه دوستان علی غمگین باشد چرا که روزهای زیادی را با او سپری کرده است. می‌گوید: «علی ۱۰ سال از من بزرگ‌تر بود. برایم رفیق، برادر، همه چیز بود. بچه یک محله بودیم. مرتب هم را می‌دیدیم و با هم بزرگ شدیم. از زندگی او خیلی چیزها یاد گرفتم. آدم بی‌ادعایی که دلش برای دیگران می‌تپید. علی خصلت مهمی که داشت این بود که در لحظه زندگی می‌کرد. به هر چیز که دوست داشت با تلاش می‌رسید. او از کار کردن ایایی نداشت ولو پادویی کردن. شاید دابی من نیازی به کار کردن او نداشت اما مرام علی این‌طور بود. دوست نداشت زحمت اضافی برای پدرش درست کند. برای همین در بچگی الاسکا و بلال می‌فروخت و بعدها که بزرگ‌تر شد در مکانیکی و تراشکاری هم کار می‌کرد. همیشه می‌گفت کار برای مرد عار نیست. می‌گفت روی پای خودت بایست و دستت به زانوی خودت باشد. می‌گفت تکیهات به خدا باشد. شاد باش تا شادی‌های زندگی به تو رو بیاورد.»

حرف‌هایش در گوشم می‌پیچد محمد مهدی خاطرات خوشی که با علی داشته را هر روز با خود مرور می‌کند. او می‌گوید: «حرف‌هایش در گوشم می‌پیچد. خیلی با هم حرف می‌زدیم. او امیدوار بود و امید تزریق می‌کرد. گاهی بیش می‌آمد برایش درد دل می‌کردم و یا از بی‌رحمی روزگار کله می‌کردم به من امید می‌داد. حرف‌هایش روی آتش بود.» علی خدمت به پدر و مادر را افتخاری برای خودش می‌دانست. او مفهوم بچه ننه بودن را تغییر داد. محمد مهدی ادامه می‌دهد: «علی هوای دل تک تک آدم‌های دوروبرش را داشت. دست به خیر بود. اگر در محله قدیمی متوجه می‌شد کسی گرفتاری دارد بی‌آن که کسی متوجه شود دست به کار می‌شد.» محمد مهدی از ارادت علی به ساحت مقدس حضرت زهرا(س) می‌گوید و اینکه همین علاقه باعث شد روز ولادت مادر به خاک سپرده شود. او ادامه می‌دهد: «از همان بچگی علی الگوی من بود. وقتی دوستانت می‌پریدند طرفدار کدام تیم فوتبال هستی می‌گفتم تیمی که علی در آن هست.»

علی عاشق سینما بود. خودش همیشه تعریف می‌کرد که سعید راد را خیلی دوست داشته است. محمد مهدی تعریف می‌کند: «هر فیلمی که به او پیشنهاد می‌شد درباره‌اش با من صحبت می‌کرد. یک روز به من تلفن کرد و با خنده گفت اگر کریم را ببینی خنده‌ها می‌گیرد. قیافه‌ام خیلی باتمک شده است. بعد عکسش را برای من فرستاد. کلی آن روز خندیدیم. اگر اشتباه نکنم فیلم باتمک زده‌ها به کارگردانی آقای روبین تن بود.» روز تولد محمد مهدی و علی در یک روز است. آنها همیشه برای هم پیام تبریک می‌فرستادند. حالا بعد از علی، هیچ سال روز ۱۴ تیر ماه خاطره خوشی برای محمد مهدی نخواهد داشت. او ادامه می‌دهد: «یکی از تفریحات علی خوردن فست‌فود بود اما تمایلی به حضور در رستوران نداشت برای همین همیشه سفارش می‌داد غذا از بیرون می‌آوردند و بعد در خانه از خودمان پذیرایی می‌کردیم. نوشابه هم نمی‌خورد و مرتب به من تذکر می‌داد که این نوشیدنی را نخورم.»

پیام تبریک شهرداران مناطق شرق تهران به اهالی

لبتان خندان، تتان سلامت

در آستانه سال نو سکان‌داران مدیریت شهری مناطق شرق پایتخت با ارسال پیام، ضمن تبریک فرا رسیدن بهار و عید نوروز به همه شهروندان، درباره برنامه‌ها و رویکردها برای سال ۱۴۰۰ قلم زده‌اند

مجتبی سگری - شهردار منطقه ۱۳

شهری زیبا، شاد و آباد به ارمغان بیاوریم

مژه‌های دل که دگر باره بهار آمده است / خوش خرامیده و با حسن و وقار آمده است نوروز همیشه نوید آمدن روزهای زیبا، نو و تازه بوده است و همیشه نماد و نشانه‌ای از فکرای جدید، کردار جدید و تصمیم‌های تازه برای آینده، آینده‌ای که می‌خواهیم آن را بهتر از گذشته بسازیم. سالی که آخرین روزهایش را سپری می‌کنیم، با تمام سختی‌هایش به علت شیوع ویروس کرونا سپری شد و سال جدید در حالی آغاز می‌شود که مصادف شده با نخستین نوروز قرن جدید، از راه رسیدن تا غبار کهنگی و ماندگی را از چهره طبیعت و دل‌های ما بزداید و شکوفه لیخند و نهال امید را در قلبمان بارور سازد. در آغاز سال جدید آرزوی ما برای همه شهروندان عزیز پایتخت و منطقه ۱۳، زندگی در شهری است که با عنایت به شعار و رویکرد شهردار محترم تهران برای همه اقشار با توجه به مقوله‌های نشاط و امید، تحقق عدالت اجتماعی و تقویت تنوع فرهنگی و... برنامه‌ریزی شده تا در مسیر تغییر برای آینده بهتر، بتوانیم با همکاری شهروندان شهری زیبا، ایمن، شاد و آباد را به ارمغان بیاوریم. طی ماه‌های گذشته، به‌رغم شیوع ویروس کرونا، همکاران ما در شهرداری منطقه ۱۳ در انجام وظایف و ارائه خدمات به شهروندان فهیم این منطقه از تلاشی فروگذار نکرده و پروژه‌های مختلف محله‌محور نیز در کنار خدمات شهری، افتتاح و به بهره‌برداری رساندند. در سال جدید هم از منطری نو به مشکلات شهر نگرستد و با نگاهی خلاق و خدمت‌رسان برای تحقق اهدافی که برای تهران ۱۴۰۰ برنامه‌ریزی شده، با قاطعیت و پشتکار تلاش خواهیم کرد. ضمن تبریک حلول سال نو، از درگاه دادار هستی، برای تمام شهروندان و خانواده‌های محترم‌شان، سالی خوش و سرشار از معنویت، مملو از رحمت و برکت الهی همراه با دلی روشن، سینه‌ای پر از مهر، لبی خندان توام با سلامتی، شادکامی، سعادت و موفقیت آرزوینم. به امید آنکه در ساسیه همدلی و همراهی همه شهروندان و مسئولان، سال آینده در شهری با اخلاق‌تر، زبانت‌تر، ایمن‌تر، توسعه‌یافته‌تر، آبادتر و شاداب‌تر از امروز به استقبال بهار بنشینیم و حالی احسن از امروز داشته باشیم.



وحیدرضا انارکی محمدی - شهردار منطقه ۱۵

به امید سال پیروزی مردم بر کرونا

فرا رسیدن نوروز ۱۴۰۰ را به همه شهروندان، به‌ویژه کادر درمان که شبانه‌روز برای نجات جان هموطنان تلاش می‌کنند و همچنین کارکنان خدوم شهرداری که برای خانه‌تکانی شهر مشغول فعالیت هستند، تا با خلق زیبایی در منظر شهری، روحیه با نشاطی را برای شهروندان رقم زنند، تبریک و شادبانش عرض می‌کنم. سال متفاوتی را سپری کردیم، تجربه تلخ و بی‌سابقه برای مردم دنیا که با شیوع ویروس کرونا شاهد اخبار بد و محروم شدن برخی از زندگی بودیم. این سال را با همه فراز و نشیب‌هایش پشت سر می‌گذاریم و باید امید داشته‌باشیم و تنها تجارب خوبی که از آن به دست آوردیم، با خود به سال نو ببریم. مدیریت شهری نیز در این سال به‌رغم مشکلات اقتصادی و شیوع ویروس منحوس کرونا، لحظه‌ای از تلاش برای شهر و خدمت به شهروندان دست نکشید و مانند سال‌های گذشته در آبادانی شهر تلاش کردیم. اکنون محور فعالیت مدیریت شهری از قالب اجرای پروژه‌های کلاشهری به توسعه محله‌ها معطوف شده‌است. چراکه محله‌های تهران، هویت پایتخت را شکل می‌دهند و تهران باید شهری برای همه مردم آن باشد. با این رویکرد؛ این منطقه با تعریف ۱۱۵ پروژه از مجموع هزار و ۲۰۰ پروژه توسعه محلی تهران، پیشگام تعریف پروژه‌های توسعه محلی بود که بسیاری از آنها تکمیل و در اختیار شهروندان قرار گرفت. منطقه ۱۵ در سال ۹۹ موفق به افتتاح بزرگراه شهید نجفی رستگاری شد که پروژه فاخر و ارزشمندی در سطح ملی که با افتتاح آن جنوب‌شرقی تهران هویت گرفته، رنگ کمربندی تهران و اتصال شرق به غرب تکمیل شده و ترافیک و اجرای پروژه‌های توسعه محلی تهران، این میان بهره‌برداری از ۶۰ پروژه خدماتی و توسعه محله‌ای به شهروندان در روزهای پایانی سال از دیگر افتخارات ماست و اقدامات شایسته‌ای نیز در راستای ارتقای کیفیت زندگی در دست اقدام داریم. از خداوند متعال می‌خواهم سال جدید هم توفیق خدمت را نصیب کند و سالی سرشار از موفقیت و پیروزی در تولید و توزیع واکسن برای مردم ایران باشد و با همکاری و مشارکت نخبگان محلی، شهروندان مشارکت‌جو، شورایاران و مدیران محله‌ها بتوانیم ضمن ارتقاء و توسعه پروژه‌های زیرساختی و محله‌محور و تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلند مدت، بستر لازم را برای ایجاد تحولات بنیادین و منطقه‌ای نمونه و درخور شهروندان فهیم فراهم سازیم.



کامبیز صمیمی پور - شهردار منطقه ۱۴

۱۴۰۰، سال زیست‌پذیری بیش از پیش محله‌ها

لحظه‌های زمان می‌گذرد و هر آن مار را به فصل نو شدن نزدیک می‌کند. زمین بانگ بهار سسر می‌دهد و نوید بخش حیاتی تازه در کالبد سرد و بی‌جان زمستان است. رستاخیزی زمینی که نوروز می‌خوانیمش چراکه بر این باوریم فصل بهار می‌آید تا غبار را از دل‌ها بشوید. شکوفه لیخند و نهال امید را در قلب‌ها بارور سازد و همه را در آغاز تلاشی تازه به صف کند. به تبع این نسیم بهاری، مدیریت شهری منطقه نیز در تدارک است تا با با همت بیش از پیش و استفاده حداکثری از پتانسیل‌های منطقه و ظرفیت‌های محلی و فرامنطقه‌ای آرامش و آبادانی را به اهالی دارالمؤمنین پایتخت هدیه کند. از این‌رو ارائه خدمات فرهنگی، عمرانی، ترافیکی، امور شهری را با چشم‌انداز «زیست‌پذیرتر شدن محله‌ها» در اولویت فعالیت‌های مدیریت شهری این منطقه قرار داده‌ایم تا زمینه رضایت حداکثری شهروندان فراهم شود. با تلاش و کوشش مستمر تمام کارکنان شهرداری اعم از کارشناسان، مدیران و همچنین شورایاران به‌عنوان معتمدان محلی، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شده است. امید می‌رود روند مثبت اجرای پروژه‌های توسعه محلی منطقه ۱۴ در سال جدید همچون سال ۹۹ با قاطعیت و پشتکار دوچندان تداوم یابد و شهروندان دارالمؤمنین تهران شاهد شکوفایی و بالندگی بیش از پیش آن در سال ۱۴۰۰ باشند. به امید اینکه با رویکرد تحقق شعار «تهران شهری برای همه» و هم اهنگ با ابعاد گسترده «تهران ۱۴۰۰» نقطه عطفی برای روزهای تهران باشیم. به حق، خدمت به شهروندان شهیدپرور این خطه از پایتخت همواره مایه مباهات و افتخار است و از نخستین لحظات حضور و قبول سکان مدیریت شهری همه توان خود را به کار گرفته تا با همراهی کارکنان خدوم و شریف شهرداری بتوانم خدمات ارزنده و اثرگذاری را در محله‌ها انجام دهم. سیمایی آباد، شاد و زیبا برای دارالمؤمنین تهران، هدف مهمی است که شهرداری منطقه ۱۴ دنبال می‌کند و اینجانب عزم خود را برای تحقق این هدف جزم کرده‌ام. در آستانه سال نو از خداوند متعال سلامتی، خرمی و زندگی زیبا و ایمن برای شهروندان‌مان خواستارم.



محمد محمد دوست - شهردار منطقه ۴

حول حالنا الی احسن الحال

اکنون که دستان پرنازش بهار، طبیعت خفته را از خواب بیدار می‌سازد، دگربار قلم آفرینش با رنگ بازاری بر پیکره پاک طبیعت، جلوه‌ای دیگر از مظاهر زیبای خلقت را بیان می‌کند و زمین و درختان رازهای رنگارنگ و عطر آگین خویش را نشان نگاه و نگار ما می‌کنند تا «با مقبل القلوب» گویان به ستایش آن جمیل بی‌ظنیر به ما خیزیم. سال ۱۳۹۹ را در حالی پشت سر گذاشتیم که در نتیجه مشارکت و همدلی همکاران خدوم و شهروندان محترم ساکن منطقه ۴، اهداف کاری به نحو مطلوب تحقق یافت و به‌رغم افزایش مشکلات ناشی از شیوع ویروس کرونا، توانستیم با حمایت و پشتیبانی شهردار محترم تهران ضمن اجرای تمهیدات لازم و رتق و فتق امور جاری شهر، برای ریشه‌کنی این ویروس منحوس در منطقه اقدام کنیم. به همین منظور و با استفاده از پتانسیل جمعی از کارشناسان و اندیشمندان شهرداری منطقه، برای نخستین بار در شهرداری تهران کتابی با عنوان «بیاامدها و چالش‌های بحران کرونا در مدیریت شهری» تدوین و به چاپ رسید تا در کنار ضدعفونی و شست‌وشوی مستمر فضاهای شهری و حمایت از خانواده‌های کم‌برخوردار و بی‌ضاعت و آسیب دیده بر اثر شیوع کووید-۱۹، گامی اساسی در ریشه‌کنی این ویروس برداشته شود. در کنار خدمات فرهنگی اجتماعی و بهداشتی، پروژه‌های بزرگی از جمله «باغ پرندگان تهران»، «مرکز فناوری‌های هوشمند» و «ده‌ها پروژه کوچک مقیاس محلی» با تلاش همکاران این مجموعه به‌عنوان بر جمعیت‌ترین و وسیع‌ترین منطقه پایتخت به سرانجام رسید. در اواخر سال نیز در حوزه عمران و توسعه محله‌ها، به‌رغم دغدغه‌ها و مشکلات مالی شهرداری تهران، کلنگ ساخت یکی از پروژه‌های مهم با عنوان «پل سواره‌رو غیر همسطح بزرگراه شهید باقری تقاطع خیابان فرجام» بر زمین زده شد تا ضمن توسعه و آبادانی شرق و شمال شرق تهران، روانسازی ترافیکی را در کنار آسودگی خیال شهروندان شاهد باشیم. امیدوارم سال ۱۴۰۰ همچون سسنوات گذشته و در راستای تدابیر ارزشمند شهردار محترم تهران و با همت مدیران و همکاران خدوم این مجموعه و با همکاری و مشارکت نخبگان محلی، شهروندان مشارکت‌جو، شورایاران و مدیران محله‌ها بتوانیم ضمن ارتقاء و توسعه پروژه‌های زیرساختی و محله‌محور و تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلند مدت، بستر لازم را برای ایجاد تحولات بنیادین و منطقه‌ای نمونه و درخور شهروندان فهیم فراهم سازیم.



گفت‌وگوی نوروزی با احسان قائم‌مقامی، اسناد شطرنج ایران که به تازگی پدر شده است

روز عید فوتبال خانوادگی بازی می‌کردیم

بیشتر وقتم را با دخترتم «سوفیا» می‌گذرانم

پریسا نوری

در نوجوانی وارد دنیای حرفه‌ای شطرنج شده و از افتخاراتش همین بس که سال‌ها رکورددار بالاترین رده بین‌المللی فدراسیون جهانی شطرنج بوده است. او که دوره کودکی تا جوانی را در محله‌های شمال شرقی تهران سپری کرده، با گذشت سال‌ها و با وجود مشغله زیاد از تباطش را با محله دوران کودکی‌اش حفظ کرده و گاهی به بوستان‌های تهرانبارس سر می‌زند تا با پیرمردهایی که دور میز شطرنج برای هم کری می‌خوانند، بازی کند. گفت‌وگوی بهاری ما را با «احسان قائم‌مقامی» شطرنج‌باز بزرگ کشورمان بخوانید.



◀ در سال ۹۹ برخلاف سال‌های گذشته، کمتر در صدر خبرها بودید، دلیلش کم شدن رقابت‌های شطرنج به دلیل کروناست؟

بله یک دلیلش کروناست اما دلیل مهم‌تر و اصلی‌اش این است که من در یک سال گذشته لذت شیرین پدر شدن را چشیدم. برای همین سعی کردم فعالیت‌های بیرون از خانه را کم کنم و بیشتر وقتم را در منزل و کنار دخترتم «سوفیا» بگذرانم. البته ۲ کتاب در دست تألیف دارم و در خانه روی کتاب‌هایم کار می‌کنم.

◀ کتاب‌هایتان درباره چه موضوعی است و چه زمانی منتشر می‌شوند؟

یکی از آنها زندگینامه خدوم است و دیگری هم درباره شطرنج است. اسم و زمان دقیق انتشارشان هنوز مشخص نیست ولی احتمالاً در سال ۱۴۰۰ چاپ می‌شوند.

◀ صحبت از کتاب شد، حالا که تعطیلات نوروز در راه است، علاقه‌مندان به شطرنج می‌توانند با خواندن کتاب‌های آموزش شطرنج، در تعطیلات این مهارت را یاد بگیرند؟

بله بیشتر افرادی که در شطرنج جدیدالورود هستند کتاب‌های «خودآموز نوین شطرنج» یا «تدریس گام به گام شطرنج» یا کتاب‌هایی که مراحل اولیه شطرنج را به بیان و روش آسان آموزش می‌دهد را خوانده‌اند. این افراد بعداً می‌توانند کتاب‌های دیگری را هم در این زمینه بخوانند. چون کتاب‌های پایه‌ای دیگری هم هستند که اصول جدید شطرنج یا تئوری بنیادین آن را آموزش می‌دهند تا از حد آماتور یک مقدار فاصله بگیرند.

◀ روزهای آخر سال ۹۹ را پشت سر می‌گذاریم، مهم‌ترین اتفاقی که در این سال برای شما پیش آمد چه بود؟

در سال ۹۹ سعی کردم از فرصت قرنطینه و در خانه ماندن بهره‌برم و تمرکز بیشتری روی کارهایم داشتم و موفق شدم از رساله دکتریام که مدت‌ها به تعویق

افتاده بود دفاع کنم و مدرک دکترایم را در رشته مدیریت ورزشی بگیرم. از همه اینها مهم‌تر وقت بیشتری را برای بودن کنار خانواده و بازی با دخترتم صرف کردم.

◀ برنامه‌تان برای تعطیلات نوروزی چیست؟ آیا در نوروز به مسافرت می‌روید؟

اگر به مسافرت برویم به جایی که سکونت داشته باشیم و نیاز نباشد دائم در رفت‌وآمد باشیم. همچنین سعی می‌کنیم تا حد امکان توصیه‌های بهداشتی و پزشکی را جدی بگیریم.

◀ اگر به مسافرت برویم به جایی می‌رویم که سکونت داشته باشیم و نیاز نباشد دائم در رفت‌وآمد باشیم همچنین سعی می‌کنیم تا حد امکان توصیه‌های بهداشتی و پزشکی را جدی بگیریم.

◀ اگر به مسافرت برویم به جایی می‌رویم که سکونت داشته باشیم و نیاز نباشد دائم در رفت‌وآمد باشیم همچنین سعی می‌کنیم تا حد امکان توصیه‌های بهداشتی و پزشکی را جدی بگیریم.

◀ اگر به مسافرت برویم به جایی می‌رویم که سکونت داشته باشیم و نیاز نباشد دائم در رفت‌وآمد باشیم همچنین سعی می‌کنیم تا حد امکان توصیه‌های بهداشتی و پزشکی را جدی بگیریم.

◀ اگر به مسافرت برویم به جایی می‌رویم که سکونت داشته باشیم و نیاز نباشد دائم در رفت‌وآمد باشیم همچنین سعی می‌کنیم تا حد امکان توصیه‌های بهداشتی و پزشکی را جدی بگیریم.



ایام تعطیلات برای شهروندانی که به

خاطر کرونا به مسافرت نمی‌روند، دارید؟ در تهران فضاهای تفریحی بسیاری وجود دارد که می‌توانند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی از آنها استفاده کنند. شمال شرق تهران هم با داشتن بوستان‌های خوبی مثل لویزان، پلیس، تلو و... ظرفیت گردشگری بالایی دارد. از طرفی مطالعه کتاب‌های خوب و تماشای فیلم‌های بارز تاریخ سینمای ایران و جهان هم گزینه خوبی برای گذران اوقات فراغت است.

◀ با توجه به اینکه تجربه سکونت در مناطق مختلف شرقی تهران را دارید، کدام محله‌ها را برای زندگی می‌پسندید. محدوده فلکه سوم به‌ویژه کوچه‌های غربی‌اش را خیلی دوست دارم، دلیلش هم این است که اصالت و بافت قدیمی محله بیشتر حفظ شده و خلوت‌تر از بقیه جاهای تهرانبارس است، برای همین فکر می‌کنم برای زندگی مناسب‌تر است. خیابان بهار هم جای دلچسب و خوبی برای زندگی است.

◀ یک خاطره از دورانی کودکی و نوجوانی در تهرانبارس برایتان بگویند. یادم است یک خرگوش داشتم که در بالکن نگهداری می‌کردم. خرگوش خیلی بلا و زنگ بود، روزها از بالکن به خانه‌های همسایه می‌رفت و وقتی گرسنه‌اش می‌شد بر می‌گشت. گاهی هم نمی‌آمد و مجبور بودم در خانه همسایه‌ها بروم و سراغ خرگوشم را بگیرم. متأسفانه یکبار که برای مسافرت به اردو رفته بودم و چند روز خانه نبودم وقتی برگشتم دیدم در این مدت پدر و مادرم هم خانه نبودند و خرگوش بیچاره از گرسنگی مرده بود. خیلی ناراحت شدم و از آن موقع دیگر حیوان در خانه نگه نداشتم چون می‌ترسیدم نتوانم بهش برس و بمیرد.

◀ سال ۹۹ چند رقابت شطرنج از جمله المپیاد جهانی به‌صورت آنلاین برگزار شد و شما در تیم ملی شطرنج ایران در این رقابت حاضر شدید. نظر‌تان درباره رقابت‌های آنلاین شطرنج چیست؟

من در فلکه‌های دوم، سوم و چهارم تهرانبارس، حکیمیه و قنات کوثر زندگی کرده‌ام. یادم است وقتی در قنات کوثر بودیم روز عید همه فامیل خانه ما جمع می‌شدند و بعد از عید دیدنی به زمین فوتبالی که نزدیک خانه‌مان بود می‌رفتیم و تیم‌های خانوادگی تشکیل می‌دادیم و بازی می‌کردیم. یادش به خیر خیلی خوش می‌گذشت و خاطرات آن روزها هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود.

◀ چهارشنبه‌سوری را در کوچه‌پسکوچه‌های تهرانبارس آتش می‌سوزانید؟

چهارشنبه‌سوری‌ها زیاد بیرون نمی‌رفتیم، چون از سیزده، چهارده سالگی در تیم ملی شطرنج بودم و به نوعی شناخته شده بودم پس سعی می‌کردم مراقبت شده رفتار کنم. اما گاهی به خانه دایمی‌ام در حکیمیه می‌رفتیم و یک آتش بزرگ در حیاط راه می‌انداختم.

◀ چه توصیه‌ای برای گذران ایام تعطیلات برای شهروندانی که به



گفت و گو با «حبیب اسماعیلی» پیشکسوت سینما و تئاتر که نخستین پردیس سینمایی شرق تهران را راه‌اندازی کرده است

بهترین عیدی را از ماه‌مهرم می‌گرفتم

پرسا نوری

از آن روزگار که در خانه قدیمی کوچک لرزاده و کوچه‌پسکوجه‌های میدان خراسان قد کشیده و پشت نیمکت مدرسه علوی نارمک الفبا یاد گرفته است، پیش از ۶۰ سال می‌گذرد. حالا در دهه هفتم زندگی است و با دست پر و مژه افتتاح نخستین پردیس سینمایی برای اهالی شرق پایتخت باز گشته است. با «حبیب اسماعیلی» بازیگر و تهیه‌کننده پیشکسوت سینما و تئاتر که چندی پیش پردیس سینمایی «نارسیس» را در تهرانپارس راه‌اندازی کرده است گفت‌وگو کردیم. اسماعیلی با وجودی که مدیریت چندین سینما از جمله سمرقند و مشهد را در نیم قرن کارنامه حرفه‌ای خود دارد، اما به نارسیس نگاه ویژه‌ای دارد و گشایش این پردیس را در کم برخوردارتری پهنه سینمایی پایتخت رخدادهای مثبتی می‌داند که باید ادامه داشته باشد.

متولد میدان خراسان هستتید و مدتی در محله‌های شرق تهران زندگی کرده‌اید، اما حالا سال‌هاست که در این منطقه سکونت ندارید، چه چیزی باعث شد که برگردید و یک سینما در شرق پایتخت بسازید.

از آنجایی که مدیر یک دفتر پخش فیلم هستم و آمارسینماها و بازدید فیلم‌ها را دارم، متوجه شدم غرب تهران با داشتن چندین پردیس سینمایی از جمله «مگامال»، «کپوروش»، «ایران مال»، «ریکه ابرائیان» و... چقدر غنی است، اما برعکس در شرق تهران هیچ پردیس سینمایی نیست و از این موضوع تأسف می‌خوردم. برای همین دو سال پیش تصمیم گرفتم در شرق تهران قدمی بردارم. با سازندگان مجتمع نارسیس به توافق رسیدم و مجوز را از ارشاد گرفتم و به لطف خدا پردیس سینمایی نارسیس را در فلکه سوم تهرانپارس راه‌اندازی کردیم.

از ۲ سال پیش موضوع ساخت و افتتاح سینما در مجتمع نارسیس بر سر زبان اهالی افتاده بود، اما این موضوع با یک تأخیر یک ساله محقق شد. دلیل این تأخیر شیوع کرونا و تعطیلی فعالیت‌های سینمایی بود؛ البته کرونا هم بی‌تأثیر نبود؛ اما مهم‌ترین دردسری که ما اینجا داشتیم این بود که این مجتمع ساخته شده بود و بعد قرار بود در طبقه چهارمش سالن سینما ساخته شود. برای همین آسانسورها کوچک بود و نمی‌توانستیم اسکلت سینما را بالا بیاوریم مجبور شدیم سقف را سوراخ کنیم و با کمک دو جرنقیل در بیرون و داخل ساختمان اسکلت را داخل بیاوریم.

پردیس نارسیس در بهمن ماه و همزمان با جشنواره فیلم فجر افتتاح شد و به اکران فیلم‌های جشنواره رسید. با وجودی که بجز یکی، ۲ خبر، تبلیغات زیادی درباره راه‌اندازی این سینما نشده بود، آیا ظرفیت سالن‌های نارسیس برای اکران فیلم‌های جشنواره تکمیل شد؟

بله خوشبختانه بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت به‌طوری که ناچار شدیم در صبح سنانس فوق‌العاده بگذاریم، البته در اینجا هم مثل سایر سالن‌های سینما به خاطر رعایت فاصله‌گذاری، با ۳۰ درصد ظرفیت بلیت فروخته شد اما به قدری استقبال زیاد بود که ما با تأیید ارشاد یک سنانس هم در ساعات ۹ صبح گذاشتیم و با

وجودی که وسط هفته بود در عرض یک ساعت بلیت‌ها فروش رفت.

استقبال محلی‌ها و اهالی تهرانپارس از این سینما چقدر بود؟ آیا بر آوردی از بازخورد افتتاح سینما در این محله بین محلی‌ها دارید؟

بله ما متوجه شدیم که خیلی از افرادی که به تماشای فیلم‌ها می‌آیند از همین محله هستند چون می‌دیدیم که با ماشین نمی‌آیند. از طرفی خیلی از اهالی می‌آمدند و تشکر می‌کردند که در محله‌شان سینما راه‌اندازی شده است، همین موضوع باعث قوت قلب من می‌شد. در واقع سرمایه‌گذاری برای ساخت سینما در این منطقه شاید به نظر خیلی‌ها ریسک بود اما برای من بازگشت سرمایه اولویت نداشت، دلم می‌خواست با این کار قدمی برای اهالی این محله بردارم و خوشبختانه در روزهای اول آغاز به کار سینما، بازخورد مثبتی از اهالی گرفتم.

قبل از راه‌اندازی سینما نارسیس، اینجا یک مجتمع تجاری بزرگ بود که بخشی از مغازه‌هایش هنوز باز نشده بود، آیا سینما تأثیری بر کسب و کار این مجتمع گذاشت؟

بله به گفته خود مغازه‌داران، در زمان جشنواره و اکران فیلم‌ها، ورودی این مجتمع ۷۰ درصد بیشتر شده بود و بعد از جشنواره که اکران نداشتیم، ورودی به همان نسبت کم شد. این موضوع طبیعی است چون لوکس‌ترین فروشگاه‌ها هم پس از یک مدت عادی می‌شود، اما سینما مثل رستوران است، تنوع دارد و دائم خوراک روحی متنوع بسرای مخاطب فراهم می‌کند، برای همین هیچ‌وقت برای مخاطب عادی نمی‌شود.

در دوران کودکی و نوجوانی در شرق تهران ساکن بوده‌اید، چه خاطره‌ای از آن روزها دارید.

خاطراتم مربوط به اوایل دوره فعالیتیم در سینما است. یاد است اول انقلاب لوکیشن فیلم «بازجویی یک جنایت» به کارگردانی آقای «محمدعلی سجادی» در محله خاکسفید بود. البته آن زمان خاکسفید مثل حالا ساخته نشده بود و پر از ساختمان نبود، زمین بزرگی وجود داشت که زباله‌دانی بود و همه شهر زباله‌هایشان را در آن می‌ریختند، یک بخشی از آن هم پر

از گاو و گوسفند بود. خلاصه محیط به قدری آلوده بود که وقتی شب از سر فیلمبرداری برمی‌گشتیم، سقف ماشین پر از مگس بود و سیاه می‌شد. علاوه بر این فیلم، یاد است وقتی نوجوان بودم باتوق مان، سینما «مونت کارلو» در میدان هفت‌حوض بود، این سینما بعدها به مسجد تبدیل شد. استودیو «عصر طلایی» در تهرانپارس هم خیلی مورد علاقه من بود. معمولاً داخل حیاطش دکور فیلم می‌زدند و ما با بچه‌ها می‌رفتیم دم در تماشا می‌کردیم.

اشتبب شبب چهارشنبه‌سوری است، خاطره‌ای از چهارشنبه‌سوری‌های زمان قدیم محله‌های شرق تهران دارید؟

چهارشنبه‌سوری‌های قدیم رسم قاشق زنی بود که خیلی خوش می‌گذشت. یاد است بچه‌های همسایه برای قاشق زنی می‌آمدند دم در خانه و من هم درعالم بچگی سر به سرشان می‌گذاشتم و به جای خوراکی، سنگ توی بشقابشان می‌گذاشتم (با خنده).. مادرم خدایم‌رمز می‌گفت «تکن... گناه دارن...» من هم بعداً از دلشان در می‌آوردم. یک آتش بزرگ در کوچه درست می‌کردیم و کوچک و بزرگ دورش جمع می‌شدیم و از رویش می‌پریدیم. بیکار موقع پریدن از آتش لباس خواهر کوچکم آتش گرفت و من با وجودی که خودم هم بچه بودم سریع آتش را با دست خاموش کردم و خدا رو شکر به خیر گذشت. ولی هنوز دلهره آتش بازی آن سال را دارم.

از حال و هوای نوروز و عید دیدنی‌های قدیم بگویید.

قدیم صفا و صمیمیت‌ها بیشتر بود. برای عید دیدنی هم مناسبات امروزی حاکم نبود. مثلاً روز اول عید وظیفه‌مان بود که همه به دیدن بزرگ‌ترها برویم. ولی الان قانون می‌گذارند و می‌گویند «روز اول عید شلوغ است... روز

دوم برویم...» یا مثلاً می‌گویند «چون آنها روز دوم آمدند، ما روز سوم برویم و...» این چرتکه انداختن‌ها صمیمت را کم می‌کند.

بهترین عیدی که از قدیم تا حالا گرفته‌اید چه چیزی بوده؟

قدیم به بچه‌ها اسکناس یک تومانی عیدی می‌دادند. اگر یک فامیلی ۲ تومنی می‌داد به قدری خوشحال می‌شدیم که انگار دنیا را به ما داده‌اند. اما شیرین‌ترین عیدی‌ها را همیشه از دست مادرم می‌گرفتم. مادرم از لای قران اسکناس‌های نو عیدی می‌داد. آن پول را همیشه کنار پول‌های دیگر می‌گذاشتم و معتقد بودم برکت می‌آورد.

چند روزی بیشتر به پایان سال و شروع تعطیلات نوروز باقی نمانده، برای گذران تعطیلات بی‌خطر و سالم چه توصیه‌ای به شهروندان دارید؟

حالا که شرایط کرونایی و حاد است، باید برای قطع زنجیره کرونا مسافرت نرویم. در همین تهران با رعایت پروتکل‌های بهداشتی تفریح کنیم. کتاب خوب بخوانیم، فیلم خوب ببینیم. نمی‌خواهم دفاع کنم اما واقعاً تماشای فیلم در سینما یکی از بهترین تفریحات و سرگرمی‌هاست. حالا هم که سینماها با رعایت پروتکل‌ها و ظرفیت کم دایرنه، مردم می‌توانند از این ظرفیت استفاده کنند و لذت ببرند.

احتمالاً بهترین اتفاق کاری‌تان در سال ۹۹ راه‌اندازی پردیس نارسیس بوده، مهم‌ترین برنامه‌تان در سال آینده چیست؟

بله یکی از اتفاق‌های بسیار خوب باز شدن درهای یک پردیس سینمایی در تهرانپارس بود، به جز آن با توجه به رکود اقتصادی و بیکاری برخی از اعضای خانواده سینما، تلاش کردم کارکنان و کارمندانی که در دفترم فعالیت می‌کنند را حفظ کنم که خوشبختانه موفق شدم. برای سال آینده هم تهیه یک سریال ۱۰ قسمتی برای نمایش خانگی و یک فیلم سینمایی و همین‌طور پخش چند فیلم را در برنامه کاری‌ام دارم. علاوه بر اینها به راه‌اندازی یک

مجموعه پردیس سینمایی دیگر در شرق تهران هم فکر می‌کنم.

پس به فکر راه‌اندازی دومین پردیس سینمایی شرق هستتید؟ به نظر‌تان ۲ پردیس در یک منطقه جواب می‌دهد؟

بله، مدیران یک مرکز تجاری بزرگ در شرق از من خواستند، برای راه‌اندازی یک پردیس سینمایی همکاری کنم. به نظر من این منطقه ظرفیت چندین پردیس سینمایی را دارد چون اهالی اینجا اهل تفریح هستند و از آن استقبال می‌کنند. هر سینما هم روزی خودش را می‌برد درست مثل میدان انقلاب که ۹ تا سینما کنار هم دایر هستند.

شما فعالیت هنری را از بازیگری در تئاتر و سینما شروع کرده‌اید و سپس به تهیه‌کنندگی رو آورده‌اید. اما خیلی وقت است که جلو دوربین نرفته‌اید. اگر پیشنهاد خوبی داشته باشید بازی می‌کنید یا ترجیح می‌دهید تهیه‌کننده باشید.

آخرین کار بازیگری من در سینما ۶ سال پیش در فیلم «۳۶۰ درجه» به کارگردانی «سام قریبیان» بوده اما اگر پیشنهاد خوبی برای بازی داشته باشم، حتماً قبول می‌کنم؛ چون با شوق و علاقه بازیگری وارد سینما و تئاتر شدم و بازیگری انتخاب اولم است.

در بازیگری و تهیه‌کنندگی کدام فیلم‌تان بیشتر دیده شده است، در واقع مردم شما را با چه فیلم یا سریالی به یاد می‌آورند؟

سریال «دزدان مادر‌بزرگ» در سال ۷۵ برای نخستین بار پخش شد و خیلی مورد توجه قرار گرفت، در سال‌های گذشته هم چندین بار از شبکه‌های مختلف بازپخش شد؛ برای همین نسل جوان هم آن را دیدند و خیلی‌ها مرا با آن می‌شناسند. یاد است چند وقت پیش یک پسر گل‌فروش سر چهارراه مرا با اسمم در آن سریال صدا زد و برایم جالب بود که جوان‌ها هم آن را دیده‌اند. البته خودم هم این سریال را خیلی دوست داشتم، چون با شخصیت و روحیه‌ام سازگار بود. در تهیه‌کنندگی هم بیش از ۵۰ فیلم را کار کردم. خوشبختانه بسیاری از آن کارها درخشید و دیده شد؛ مثل فیلم «همسر»، «چهارمیزه برای رباب»، «می‌خواهم زنده بمانم» و «قرمز».



حبیب اسماعیلی
تهیه‌کننده و بازیگر تئاتر و سینما
متولد: ۱۳۳۹
بخشی از فعالیت‌ها:
نخستین تجربه بازیگری: بازی در تئاتر «مترسک» (نقش گاندی) در سال ۴۹ بازی در سریال «گذر خلیل ۱۰ مرده» در کنار جمشید مشایخی بازی در سریال «دزدان مادر‌بزرگ»
تهیه‌کننده (به‌صورت تعاونی) فیلم سینمایی «پرواز به سوی مینو» در اسفند ۵۷ (نخستین فیلم سینمایی که بعد از انقلاب ساخته شد)
تهیه‌کننده فیلم «بازجویی یک جنایت» به کارگردانی «محمدعلی سجادی»
تهیه فیلم‌های «چهارمیزه برای رباب»، «خارج از محدوده»، «مدار بسته»، «هریم شخصی» و... بازی در چندین تئاتر و تله تئاتر از جمله «آهسته با گل سرخ» که سال ۹۷ در تماشاخانه سنگلج اجرا شد.

درباره پردیس سینمایی نارسیس
سینما «نارسیس» در طبقه چهارم و پنجم مجتمع تجاری «نارسیس» در تهرانپارس، خیابان آیت‌الله خوشوقت (حجر بن عدی)، بین فلکه سوم و چهارم تهرانپارس واقع شده است. این پردیس ۴ سالن سینما و تئاتر به ظرفیت ۴۵۰ نفر دارد و با امکانات به روز سیستم صوتی و تصویری تجهیز شده و در تعطیلات عید با ۲۰ درصد ظرفیت، فیلم‌های نوروزی را اکران می‌کند.



عکس‌ها: احمد سیدنور



در آستانه سال نو مراکز خرید مناطق شرق پایتخت را معرفی کرده ایم

بازار خرید کدوم وره؟

پرسا نوری

شمارش معکوس برای رسیدن سال جدید آغاز شده است و خیلی‌ها به رسم هر ساله خودشان را برای خریدهای نوروزی آماده می‌کنند. هر چند امسال گرانی اجناس و شیوع بیماری کرونا لذت و سرخوشی این منغولیت آخر سال را از ما گرفته است ولی چون بنا به باور ایرانیان قدیم با سرسبز شدن درختان و نو شدن چهره زمین باید لباس نو بپوشید، ما هم به تبعیت از نیاکانمان در روزهای آخر سال سسری به بازارها و مراکز تجاری می‌زیم تا با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در حد و اندازه جیبمان نونوار شویم. اگر شما هم قصد خرید دارید، حتماً تا ماسک بزنید، حتی المقدور به جاهای شلوغ نروید و از همه مهم‌تر این راهنمای جمع و جور معرفی مراکز تجاری و راسته‌های بازاری شرق تهران را مطالعه کنید تا در مراکز خرید سرگردان نشوید.

طلا فروشی‌ها کجا هستند

قدیم‌ها در برخی خانواده‌ها رسم بود که به تازه عروس‌ها سکه یا یک تکه طلا عیدی می‌دادند، هر چند با نجومی شدن قیمت طلا این رسم سال‌هاست که از رونق افتاده است اما اگر اوضاع مالی تان سکه است و یا به هر دلیل قصد دارید سری به بازار طلا و جواهر بزنید نیاز نیست تا خیابان گرمبخان با بازار بزرگ طلا در بازنده خرداد بروید، چون در شمیران نوبیدان رهبر و نارمک هم چند بورس طلا فروشی پیدا می‌شود.



هفت حوض
حتی اگر ساکن شرق تهران نباشید حتماً اسم راسته تجاری هفت حوض به گوشتان خورد ه است. این مرکز خرید از شمال خیابان آیت در منطقه ۴ تا چهارراه تلفخانه را شامل می‌شود و در آن صدها فروشگاه و ده‌ها پاساژ وجود دارد و همه نوع پوشاک و کیف و کفش برای هر سلیقه‌ای عرضه می‌شود. طرفداران برندهای خارجی و ایرانی هم از این بازار دست خالی بیرون نمی‌روند. ایستگاه مترو سرسبز و خطوط ۳ و ۵ اتوبوس‌های تند رو در این خیابان قرار دارند.

شمیران نو
راسته تجاری شمیران‌نو در منطقه ۴ یکی از بازارهای فروش انواع کیف، کفش و لباس است. در دو سوی خیابان واریز تا میدان پاکدامن ده‌ها فروشگاه لباس و چند پاساژ و مرکز تجاری دیده می‌شود که انواع پوشاک مردانه، زنانه و بچگانه را عرضه می‌کنند. اتوبوس‌ها و تاکسی‌های خط شمیران‌نو در میدان رسالت شما را به این بازار می‌رسانند.

میدان رهبر
فروشگاه‌های خیابان شهید زهدی در محله گلشن هم دست‌کمی از راسته شمیران‌نو ندارد. در این خیابان هم از نزدیکی‌های خیابان جشنواره تا میدان رهبر بورس پوشاک است. ایستگاه مترو فرهنگسرا هم در نزدیکی این مرکز قرار دارد.

افسریه
بزرگ‌ترین بازار پوشاک جنوب‌شرق تهران در خیابان بیستم افسریه قرار دارد. افسریه در تهران به بازارها و قیمت‌های مناسب شهر است و تنوع کالاها در این خیابان به قدری است که کسی دست خالی از آن برنمی‌گردد. بزرگراه‌های خاوران، آزادگان و بسیج دسترسی مناسبی برای افسریه فراهم کرده‌اند و ایستگاه‌های اتوبوس و خطوط تاکسی از این محله به نقاط متعدد شهر رفت‌وآمد می‌کنند.

گل از کجا بخیریم
آراستن خانه با گل‌های بهاری و گلدان‌های زیبا در آستانه نوروز، یکی از کارهای دلچسبی است که در بین علاقه‌مندان گل و گیاه طرفداران زیادی



دارد. خوشبختانه پهنه شرقی پایتخت از حیث برخورداری از بازارهای گل و گیاه غنی و حتی خودکفا است.

بازار محلاتی
بازار گل شهید محلاتی در محله زمزم منطقه ۱۴ یکی از قدیمی‌ترین بازارهای گل تهران است. در این بازار ۱۰ سالن و حدود ۶۰۰ غرفه وجود دارد که انواع گل‌های شاخه‌ای، آپارتمانی، درختچه و وسایل و تزیینات مربوط به باغبانی و نگهداری گل و گیاه عرضه می‌شود. اگر با خودرو شخصی به این بازار می‌روید مسیر بزرگراه امام علی و خروجی بزرگراه شهید محلاتی دسترسی خوبی دارد. تاکسی‌های مقابل ایستگاه مترو نبرد هم شما را تا جلو بازار گل می‌رسانند.

بازار شهید بابایی
بازار گل شهید بابایی در ضلع شمال بزرگراه شهید بابایی بعد از پل استخر، یکی از جدیدترین بازارهای گل تهران است. هر چند وسعت این بازار به اندازه بازار شهید محلاتی نیست اما در غرفه‌های این بازار انواع گل و درختچه و حتی تجهیزات باغبانی را می‌توانید تهیه کنید. یک ویژگی و امتیاز بازار گل شهید بابایی از دیگر مزایای این بازار، دسترسی آسان به آن از مناطق مختلف شهر تهران است و به دلیل ارائه پارکینگ رایگان با ظرفیت بالا با مشکل نبود جای پارک برای خودرو مواجه نخواهید بود.



نوروز برای امیر کربلایی زاده یادآور عیدی و اسکناس تا نخورده‌است

آرزویم برباد رفتن کروناست

پروانه بهرام‌نژاد

لیخند صاحبخانه صورتش است و صحبت‌ها و پاسخ‌هایش آمیخته با طنز. شاید برای همین هم خوب توانسته در خنداندن مردم موفق عمل کند و سری در میان سرها بر آورد و حالا برای خودش صاحب سبک شود. «امیر کربلایی‌زاده» استندآپ کمدین، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون است که زندگی حرفه‌اش از سکوی تئاتر شروع شده اما او را از قاب جادویی هم بسیار دیده‌ایم. این کمدین جوان که این روزها مشغول تدریس و تألیف کتاب تخصصی استندآپ کمدی است، در محله اتابک قد کشیده و چند سالی هم در تهرانپارس سکونت داشته و حالا هم در حوالی بزرگراه شهید بابایی و شمال شرق پایتخت زندگی می‌کند. کربلایی‌زاده امیدوار است این ویروس چموش گریبان مردم جهان را رها کند و گشت‌وگذار عید هم بماند بعد از کرونا. در تکاپوی روزهای پایانی سال با او از آداب و رسوم نوروز و چیدن سفره هفت‌سین و عیدی دادن و گرفتن تا حس خوب پدر شدن گپ زدیم.

اولین کلمه‌ای که به ذهن امیر کربلایی‌زاده می‌رسد:
ماسک = یزنیم
پدر شدن = زیباست
اسکناس تا نخورده = می‌خواهم
تئاتر = خانه من
حاجی فیروز = سالی یک روز خندوانه = حال خوب
کرونا = خراست
استندآپ کمدی = خنده همراه اندیشه
سبزه عید = سلامتی و صحت
شهره لرستانی = استاد

لذت سکونت در محله‌های شمال شرقی پایتخت

هنوز هم خانه پدری من در محله اتابک است و به آنجا سر می‌زنم. خداوند مادرم را برای ما نگه دارد او در همان خانه هست و برای دیدن و زیارتش می‌روم و کلی هم کیف می‌کنیم. چون من در شرق تهران به دنیا آمدم و با اقلیم شرق تهران به خاطر تراکم جمعیت و سنتی تر بودن و شکل فضای گرم‌تری که بین آدم‌ها وجود دارد، عجینم و انتخاب اینجا برایم راحت‌تر است.



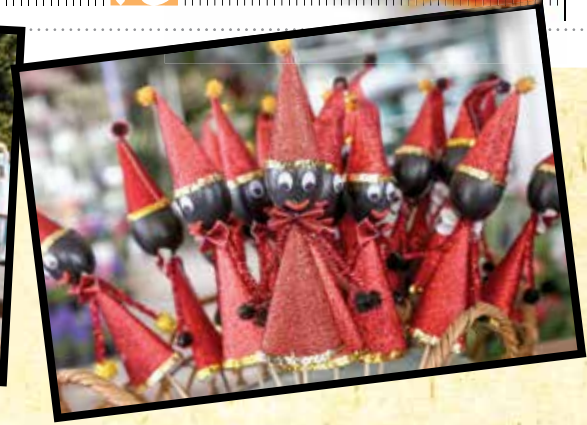
عکس: محمدعباس نژاد

« سال ۱۳۹۹ را با کرونا چطور سپری کردید؟
بله خرید هم انجام می‌دهم. بیشتر از فروشگاه‌های زنجیره‌ای چون همه چیز در آنجا و در یکجا وجود دارد، خرید می‌کنم.
«عیدنوروز برای امیر کربلایی‌زاده یادآور چیست؟
عید نوروز برای من یادآور عیدی‌هایی است که ما بچه‌بودیم و بزرگ‌ترها می‌دادند و پدر و مادرها آن را از ما می‌گرفتند تا برای ما نگه‌دارند اما هیچ‌وقت هم دیگر آنها را به ما نمی‌دادند چون برایمان نگه می‌داشتند.
« آن سال‌ها عید در خانه پدری شما چطور سپری می‌شد؟
در خانه پدری من مثل همه خانه‌های سنتی و قدیمی، مادر همیشه چند روز جلوتر خانه‌تکانی را شروع می‌کرد و ما ۶ بچه ۴ خواهر و ۲ برادر بودیم و کمک می‌کردیم. هر کسی در یک قسمتی کمک می‌کرد و بعد نزدیک عید همه پس از حمام رفتن و پوشیدن لباس نو آماده و دور سفره جمع می‌شدیم. دعای قشنگ می‌کردیم و ربوبوسی و تحویل سال نو. اما بعد از آن دوباره دعای خواهر و برادری و زندگی رویتن ادامه پیدا می‌کرد. «عیدی می‌دهید یا بیشتر عیدی می‌گیرید؟
کلا از عیدی دادن و عیدی گرفتن خاطره خوبی دارم و سعی می‌کنم حتماً عیدی بدهم و از عیدی گرفتن هم خیلی خوشحال می‌شوم اما امسال هم مثل پارسل کرونا هست و کمتر همدیگر را می‌بینیم.
« برای طرفداران استندآپ کمدی هم عیدی دارید؟
سعی می‌کنم در اجرای استندآپ کمدی در برنامه‌های مختلف، لحظات خوبی را برای مردم به وجود بیاورم اما برای علاقه‌مندان به هنر و استندآپ کمدی هم کتاب «وایستا بخند ببندیش» را آماده دارم که ان‌شاءالله فروردین ماه یا اوایل اردیبهشت به دستشان می‌رسد و حاصل چند سال فعالیت، تحقیق و پژوهش و تولید علم در استندآپ کمدی است که مطالب مفیدی برای استندآپ کمدین شدن علاقه‌مندان دارد.
« هفت‌سین هم می‌چینید؟ کدام سین آن را بیشتر دوست دارید؟
بله حتماً هفت‌سین می‌چینیم. سبب را خیلی دوست دارم و اساساً سبب زیاد می‌خورم اما سبب قرمز را به خاطر زیبایی و ظاهر و عطر و رنگش خیلی دوست دارم.
« کدام یک از آداب و رسوم نوروز برای شما خاطره انگیز تر است؟
آداب و رسوم نوروز را خیلی دوست دارم. لحظه تحویل سال وقتی قرآن سر سفره هست و کلام خداوند خوانده می‌شود و از شنیدن دعای زیبای یا مقاب القلوب حس خوب پیدا می‌کنم. آن لحظاتی که انسان دعا می‌کند و از خداوند خواسته‌های یک سالش را می‌خواهد، در کنار تقاللی که به دیوان حافظ می‌زنیم را خیلی دوست دارم و برایم جذاب است. حاجی فیروز و عمو نوروز و رسم قاشق زنی هم برایم جذاب هستند که البته قدیم بیشتر بودند و زودتر آمدن بهار را خبر می‌دادند.



« باتوجه به شیوع ویروس کرونا امسال برای عید چه برنامه‌ای دارید؟
پس تردید مثل سال گذشته در ایام عید سفر نمی‌رویم و در خانه می‌مانیم تا به روند حفظ

امیر کربلایی‌زاده سال تولد: ۱۳۵۸ ویژگی: استندآپ کمدین، بازیگر تئاتر و سینما، نویسنده و مدرس



دولاب از قدیمی‌ترین محله‌های تهران است که شکل‌گیری آن به سال‌های دور برمی‌گردد. قریه دولاب به روایت تاریخ قدمتی چند صد ساله دارد و در برهه‌ای از زمان در همسایگی ری قرار داشته است. از این‌رو آدم‌هایی که در این محله زندگی می‌کنند، از اصالت دیرینه آن و سنت‌ها و آیین‌های مردمی اطلاعات خوبی دارند. «محمدعلی متبحری» تعریف می‌کند: «اسفند ماه آن قدیم‌ها مثل حالا نبود که خبری از بارندگی نباشد. باریدن برف گاهی تا اواخر فروردین ادامه داشت. سوز سرما گزنده بود. سرمای شدید، چله بزرگ و چله کوچک و «سرماپیرزن» را که رد می‌کردیم مصادف با آمدن بهار می‌شد. برای همین مردم خود را امپای استقبال ز بهار می‌کردند. محله ما بافت مذهبی داشت و به دلیل حضور افراد متدین رسم نوروز در این محله با توجه به بافت مذهبی آن انجام می‌شد. بعد از خانه‌تکانی نخستین کاری که خانم‌ها انجام می‌دادند سبزه کردن سبزه بود. ظرف‌های زیبا آماده کرده و در هر کدامشان یک نوع بذر می‌ریختند. عدس، ماش، گندم و بعد سبزی می‌کردند. یک ظرف چینی بر می‌داشتند و با آب زعفران ۱/۷ یا سلام قرآنی را روی آن می‌نوشتند. این کار را برای بمبش انجام می‌دادند.»



محمدعلی متبحری ساکن قدیمی محله

یک خانواده اختصاص داشت. اتاق‌ها عاری از جملات، تنها دکورشان تاقچه‌هایی بود که چراغ‌های لاس‌پها روی آن قرار می‌گرفت. از چند روز مانده به عید گرد و غبار از سقف‌های چوبی و دیوارهای گچی گرفته می‌شد و بانوان از داخل صندوقچه پارچه‌های گلدوزی شده را بیرون می‌آوردند و روی تاقچه‌ها می‌انداختند. هر باتویی برای به رخ کشیدن سلیقه‌اش کاری انجام می‌داد و برای نشان دادن هنر خانه داری‌اش از دیگری سبقت می‌گرفت. متبحری می‌گوید: «برده‌ها و دستمال‌هایی که روی تاقچه می‌انداختند گلدوزی شده بود و تنوع رنگی زیادی داشت. همین شادی خاصی را در خانه حکمفرما می‌کرد و حال آدم‌های خانه خوب می‌شد. البته سفره هفت‌سین هم به شکلی که حالا چیده می‌شود نبود. بانوان ظرف‌های سبزه و هفت سلام را روی تاقچه می‌گذاشتند با قرار دادن قرآن، سفره خود را ممبرک می‌کردند.»

کت و شلوارهای گشاد

بعد از فارغ شدن از خانه‌تکانی نوبت به تهیه لباس برای بچه‌ها می‌رسید. این کار را همه خانواده‌ها انجام می‌دادند چه آنهایی که مرفه بودند و چه خانواده‌هایی که اوضاع مالی خوبی نداشتند. متبحری تعریف می‌کند: «شغل اغلب مردم دولاب کشاورز نبود چون در زمستان درآمدی نداشتند خیلی‌شان نمی‌توانستند برای بچه‌هایشان لباس بخردند. لباس‌ها توسط مادر خانواده ترمیم می‌شد. آنهایی هم که برایشان مقدور بود دوخت لباس را به دست خیاط محله می‌سپردند. البته خیاط‌ها در آن برهه فقط خانم بودند. بعدها در باب همایون لباس‌فروشی داری شد که پدر و مادرها بچه‌ها را برای خرید لباس به آن جا می‌بردند.»

تاقچه‌های رنگارنگ

آن زمان خانه‌ها بزرگ بود. دور تا دور حیاط اتاق‌های زیادی به چشم می‌خورد که هر کدامشان به

آشنایی با آیین‌ها و رسوم عید به روایت یکی از قدیمی‌های محله دولاب

استقبال از بهار با بدرقه «سرما پیرزن»

مژگان مهربانی

عید نوروز، سنتی به یادگار مانده از دوران قدیم است که هر

ساله با تمام شدن فصل زمستان، آمدنش را جشن می‌گیریم.

فرا رسیدنش دلچسب و زیبایست اما دوست داشتنتی تر

از آن کارهایی است که برای استقبال از بهار انجام

می‌دهیم. آیینی که نسل به نسل گشته و ما هم برای

فرزندان مان به یادگار خواهیم گذاشت. خانه‌تکانی، سبزه

کردن سبزه، چهارشنبه‌سوری، یختن رشته پلو در شب‌عید برای اینکه اهل خانه رشته کار به

دستشان بیاید، سیزده‌بدر برای دور کردن نحسی‌ها و... از جمله رسومی است که با ایرانی

بودن ما عجین شده و بعد از هزاران سال هنوز هم انجام می‌شود. البته هر کدامشان معنا و

مفهوم خاص خود را دارند و حکایتی را روایت می‌کنند. علت بعضی از آنها را می‌دانیم و اما از

بعضی‌شان بی‌خبریم. «محمدعلی متبحری» یکی از قدیمی‌های محله دولاب، اطلاعات خوبی از

دوران گذشته دارد و خاطرات دلنشینی را از آیین‌های قدیمی برای‌مان تعریف می‌کند.



الان با جافانان فرهنگ آپارتمان‌نشینی احوالپرسی راهم فضولی می‌دانند چه برسد به این رسم‌ها. محبت زیادی بین همسایه‌ها وجود داشت.»

چهارشنبه‌سوری

اما چهارشنبه‌سوری، آیینی که این روزها به جای اینکه جذاب باشد بیشتر خطرناک شده است. متبحری درباره آن می‌گوید: «مردم از چند روز جلوتر برای کندن خار و بوته بسه بیابان‌های اطراف می‌رفتند. بعد بوته‌ها را انبار می‌کردند تا شب چهارشنبه‌سوری ترقای در کار نبود. خانم‌ها در خانه این کار را می‌کردند. جوان‌ترها صفحه آلومینیومی در آتش گردان می‌گذاشتند و هنگام چرخاندن نور زیبایی ایجاد می‌شد. بعد از آن نوبت به قاشق زنی می‌رسید. بچه‌ها از کوچک و بزرگ چادری روی سر می‌انداختند همراه با شعر به در خانه‌ها می‌رفتند و با قاشق به ظرف می‌کوبیدند تا هدیه بگیرند.»

خلعتی عروسی و داماد

اما سنت زیبای دیگری که در محله دولاب قدیم باب بود، هدیه فرستادن خانواده‌های عروس و داماد برای هدیه‌گیر بود. کاری که این روزها هم کم و بیش انجام می‌شود اما آن شور و شوق قدیم را ندارد. چرای‌اش را متبحری این‌گونه بازگو می‌کند: «آن زمان رسم بود دم عید خانواده داماد برای عروس و خانواده‌اش هدایایی تهیه کرده و برای بردنش طبق کش خیر می‌کردند. یکی ۲ روز بعد نوبت به خانواده عروس می‌رسید که برای خانواده داماد خلعتی بفرستد. در محله ما مش حسن طبق کش بود. پرمردی که کارش این بود. روی طبق را با ساتن‌های رنگی می‌پوشاندند و هدایا را باسلیقه روی آن می‌گذاشتند. مش حسین هم روی سر می‌گرفت و به در خانه عروس یا داماد می‌رفت. با شنیدن صدای مش حسین همسایه‌ها سر از پنجره بیرون می‌آوردند که ببینند در طبق چه چیزی هست. درون آنها رنگ ریخته و روی حرارت می‌گذاشتند هم تخم‌مرغ پخته می‌شد

صبح روز عید

هنگام تحویل سال نو، انگار شوری بی‌وصف وجود مردم را می‌گرفت. خانواده‌های متدین و مذهبی دولاب خواندن قرآن و دعا کردن را یکی از واجبات سفره هفت‌سین می‌دانستند. در حق هم دعای خیر می‌کردند. بچه‌ها با لباس‌های نو یا ترمیم شده‌شان سر سفره می‌نشستند و منتظر تا از مادر عیدی بگیرند. متبحری تعریف می‌کند: «مادرها از قبل خودچی کشمش یا تخم‌مرغ‌های رنگی به‌عنوان عیدی کنار می‌گذاشتند. روز قبل از عید چند ظرف می‌گذاشتند درون آنها رنگ ریخته و روی حرارت می‌گذاشتند هم تخم‌مرغ پخته می‌شد



رسم‌های فراموش شده نوروز

نوروز سراسر رسم و آیین است که بعضی‌شان با گذشت زمان کمرنگ شده و می‌توان گفت به فراموشی سپرده شده است. مصداق بارز آن درست کردن شیربرنج است که مردم برای افزایش روزی انجام می‌دادند. از آن جا که شغل اغلب مردم در زمان قدیم دامداری و کشاورزی بود، بانوان برای اینکه گوسفندا تشویق به شیردهی شوند و شیرشان افزون شود و به نوعی برکت به مالشان بیفتد، شیربرنج درست می‌کردند و در ظرف‌های گل قرمز می‌ریختند. روی آنها را هم با گرد گل محمندی و مغز پسته تزئین می‌کردند.



سیزده‌بدر

«سیزده‌بدر» که امروزی‌ها به آن روز طبعیت می‌گویند، فرهنگی است که برای دور کردن نحسی از خانه انجام می‌شود. متبحری می‌گوید: «چون در این محله باغ و زمین زیاد بود مردم از راه‌های دور و نزدیک برای سیزده‌بدر به اینجا می‌آمدند. ماشینی هم در کار نبود. با درشکه می‌آمدند. با ظرف غذا و زیرانداز کلی خوش می‌گذرانند. اما کشاورزها چون بذر پاشیده بودند برای اینکه مزرعه‌شان خراب نشود دورتادور زمین آتش روشن می‌کردند که کسی وارد زمین‌شان نشود.»

رشته پلو با ماهی غذای مرسوم شب‌عید

رشته پلو با ماهی غذای مرسوم شب‌عید بود. از آن جا که یخچال و فریزری در کار نبود مردم ماهی شور می‌خریدند و برای اینکه آن را بخارپز کنند، چوب تمیز دست نخورده را روی دیگ مسی می‌گذاشتند و ماهی شور را روی آن قرار می‌دادند تا خوب پخته شود.

یخت کشایی

آن زمان رسم بود که گردن دختری که از سن ازدواجش می‌گذشت قفل «وان یکاد» می‌انداختند؛ به اسم مجری. بعد دم غروب می‌گفتند برو سر گذر بده مجری را کسی باز کند. البته نه اینکه غریبه‌ای این کار را کند. همسایه یا آشنایی قفل را باز می‌کرد. رسم دیگری هم بود به اسم فالگوش که شب چهارشنبه آخر سال انجام می‌شد. مردم خیلی اعتقاد داشتند. سر چهارراه فال گوش می‌ایستادند. هر کسی هر نیتی داشت. می‌خواست خانه بخرد، دختر شوهر دهد، عروس بیسارود یسا اینکه هر حاجتی داشت سر گذر می‌ایستاد. در گوش‌های خود را می‌گرفت. وقتی جمعی زد می‌شدند در گوش خود را زها می‌کرد. هرچه می‌شنید با توجه به نیتش تعبیر می‌کرد.

کوزه شکنی

آخرین سنتی که می‌توان گفت به کلی منسوخ شده، کوزه شکنی است. کوزه‌های قدیمی در شب چهارشنبه‌سوری شکسته می‌شد چون مردم اعتقاد داشتند کوزه‌ها کثیف شده و باید نو شود. بد می‌دانستند با همان کوزه‌های قدیمی آب بخورند. خانواده‌هایی که عیانی بودند و وضع مالی خوبی داشتند به غیر از کوزه، لباس‌های کهنه‌شان را هم دور می‌انداختند. لباس نو می‌پوشیدند. البته این‌طور نبود که پدر خانواده شب‌عید بخواهد هزینه زیادی صرف کند. اول سال برای بچه‌ها قلم می‌خرید و او هرچه پول به دست می‌آورد حالا عیدی بود یا پول توجیبی در قلم می‌انداخت. چند روز مانده به پایان سال پدر قلم‌ها را می‌شکست و برای بچه‌ها لباس می‌خرید. تا شب چهارشنبه‌سوری لباس نو می‌پوشیدند.

گفت‌وگو با «زهرا کریمی» بازیکن تیم ملی و قهرمان مسابقات آسیایی کبدمی در سال ۲۰۱۸

نوروز امسال در خانه می‌مانم و تمرین می‌کنم

سارا جعفرزاده

«زهرا کریمی» بازیکن تیم ملی کبدمی و قهرمان مسابقات آسیایی کبدمی در سال ۲۰۱۸ چهره آشنایی برای علاقه‌مندان به ورزش است. این ورزشکار هم‌محله‌ای فعالیت‌های ورزشی خود را از منطقه ۱۵ یعنی جایی که ورزشکاران بسیاری از آن به پا خاستند، آغاز کرده و قبل از اینکه کبدمی را شروع کند، ۶ سال به‌طور حرفه‌ای کاراته‌کار می‌کرد و حتی مدال آسیایی کاراته را هم دارد. او بر حسب اتفاق وارد رشته کبدمی شد و با استعداد بالايش توانست خیلی زود به موفقیت برسد. موفقیتش را مدیون خانواده و مربی و رئیس فدراسیون کبدمی است. در رشته تربیت‌بدنی تحصیل کرده و در سال گذشته به مربیگری بدنسازی یک باشگاه هم مشغول شده و می‌خواهد سال آینده ادامه تحصیل بدهد. در آستانه سال نو با این ورزشکار هم‌محله‌ای گفت‌وگو کردیم. معتقد است با وجود کرونا عید امسال مانند عید دوران کودکی نیست اما مجبور است به شرایط تن بدهد. می‌گوید مسافرت نمی‌رود و عید را در منزل می‌گذراند تا وجدانش آسوده باشد و نقشی در زنجیره انتقال بیماری بین شهروندان نداشته باشد.



با توجه به شرایط امسال جامعه که در وضعیت محدودیت‌هایی کرونایی قرار داریم، آیا برنامه‌ریزی خاصی برای نوروز امسال دارید؟ به سفر می‌روید یا خیر؟
با توجه به اینکه کرونا هنوز در کشور افراد زیادی را درگیر می‌کند و ریشه‌کن نشده ترجیح می‌دهم عید امسال را در خانه بمانم تا به سهم خودم از انتشار این ویروس جلوگیری کنم.
بیشتر خاطرات دوران کودکی من به بازی‌های کودکانه با دوستانم معطوف می‌شود. از جمله اینکه با دوستانم بازی‌هایی مانند دنبال بازی، هفت سنگ و وسطی انجام می‌دادیم. در حال حاضر هم در اکثر اوقات تمرینات هوازی را در بوستان‌های اطراف من‌زلمان انجام می‌دهم البته در منطقه ۱۵ باشگاه کبدمی در مجموعه ورزشی بعثت وجود دارد که در آنجا هم تمرین می‌کنم.
شیرین‌ترین خاطره شما از ایام نوروز به چه زمانی برمی‌گردد؟
طبعاً نوروز در ایام کودکی ما حال و هوای دیگری داشت. آن زمان که بچه بودم مادرم همیشه من را به خرید می‌برد و لباس‌های نو برایم می‌خرید و حالا دیگر بزرگ شده‌ام و آن اتفاق‌ها شاید به شکل گذشته تکرار نشود. البته فعلاً به خاطر کرونا خرید دسته‌جمعی صورت نمی‌گیرد. به نظرم آن زمان همه چیز قشنگ و زیباتر بود و از اتفاقات و ظاهر کوچک و خیابان می‌شد تشخیص داد که عید در راه است.
خاطرم هست دو سال متوالی روز اول نوروز را کنار خانواده بودم و بعد راهی اردو شدم اما شیرین‌ترین و بهترین خاطره من از نوروز دوره کودکی که همیشه در ذهن من باقی مانده و هر وقت به آن فکر می‌کنم لیخند روی لبانم می‌آید مربوط به یک سفر است. مقطع ابتدایی بودم که به یک سفر خانوادگی و دسته‌جمعی با

شهادت بروجردی در منطقه ۱۵ زندگی می‌کنم و تمام خاطرات خوب و بد دوران کودکی من در این محله رقم خورده است. روزهای خوبم روزهایی است که از مسابقات آسیایی برمی‌گشتم و لحظات خوشی داشتم و روزهای بد هم روزهای متفرقه‌ای بود که باز در همین محله رقم خورده است.
با توجه به اینکه سال‌هاست ساکن این منطقه هستید، چه خاطراتی از این منطقه دارید؟
بیشتر خاطرات دوران کودکی من به بازی‌های کودکانه با دوستانم معطوف می‌شود. از جمله اینکه با دوستانم بازی‌هایی مانند دنبال بازی، هفت سنگ و وسطی انجام می‌دادیم. در حال حاضر هم در اکثر اوقات تمرینات هوازی را در بوستان‌های اطراف من‌زلمان انجام می‌دهم البته در منطقه ۱۵ باشگاه کبدمی در مجموعه ورزشی بعثت وجود دارد که در آنجا هم تمرین می‌کنم.
شیرین‌ترین خاطره شما از ایام نوروز به چه زمانی برمی‌گردد؟
طبعاً نوروز در ایام کودکی ما حال و هوای دیگری داشت. آن زمان که بچه بودم مادرم همیشه من را به خرید می‌برد و لباس‌های نو برایم می‌خرید و حالا دیگر بزرگ شده‌ام و آن اتفاق‌ها شاید به شکل گذشته تکرار نشود. البته فعلاً به خاطر کرونا خرید دسته‌جمعی صورت نمی‌گیرد. به نظرم آن زمان همه چیز قشنگ و زیباتر بود و از اتفاقات و ظاهر کوچک و خیابان می‌شد تشخیص داد که عید در راه است.
خاطرم هست دو سال متوالی روز اول نوروز را کنار خانواده بودم و بعد راهی اردو شدم اما شیرین‌ترین و بهترین خاطره من از نوروز دوره کودکی که همیشه در ذهن من باقی مانده و هر وقت به آن فکر می‌کنم لیخند روی لبانم می‌آید مربوط به یک سفر است. مقطع ابتدایی بودم که به یک سفر خانوادگی و دسته‌جمعی با



- ### زهرا کریمی
- متولد سال ۱۳۷۷
 - بازیکن تیم ملی کبدمی جمهوری اسلامی ایران
 - لیسانس تربیت‌بدنی از دانشگاه تهران
 - کسب مدال طلای بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا-اندونزی
 - کسب مدال طلای مسابقات قهرمانی آسیا جوانان سال ۲۰۱۶
 - کسب مدال برنز مسابقات قهرمانی آسیا بزرگسالان سال ۲۰۱۶
 - کسب مدال برنز مسابقات قهرمانی آسیا بزرگسالان سال ۲۰۱۷
 - کسب مدال برنز مسابقات آسیایی در رشته کاراته

کری که بیشتر از هر چیزی به من انرژی می‌دهد، ورزش است. در اوقات فراغتم در دوران کرونا دائم ورزش کردم و عید سال گذشته هم هر روز برای خودم برنامه ورزش داشتم. کارهای متفرقه زیادی در منزل انجام می‌دهم، کتاب می‌خوانم البته به کتاب‌های علمی و مرتبط با رشته تحصیلی دانشگاهی‌ام که تربیت‌بدنی است بیشتر علاقه دارم و کارهای دیگری از جمله صحبت تلفنی با دوستانم بخشی از گذران اوقات فراغت در خانه است.
شما متولد شهرک شهید بروجردی در منطقه ۱۵ هستید، چه خاطراتی از این محله که محله دوره کودکی شماست دارید؟
من هنوز هم در محله دوره کودکی خود در شهرک



جاذبه‌های طبیعی شرق پایتخت گزینده‌های مناسبی برای گشت‌وگذار با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در تعطیلات است

تماشای شکوفه‌های بهاری

سارا جعفرزاده

بزرگراه شهید بابایی را از شرقی‌ترین نقطه به سمت شمال یعنی جاده تلو پیش بروید، پنج کیلومتر بعد، با گذر از جاده‌های پیچ در پیچ، نمایی مقابلتان چشم‌نوازی می‌کند که در یک سمتش دریاچه زیبای لتیان است و در سمت دیگر، درختان قد و نیم قد و آلاچیق‌های چوبی. مجموعه هزار هکتاری تفریحی و گردشگری تلو که قرار است با تکمیل مراحل ساخت و تجهیز آن به بزرگ‌ترین مجموعه تفریحی-ورزشی کوهستانی خاورمیانه تبدیل شود، در حال حاضر به دو زمین بازی با وسایل مدرن از جمله ترامپولین و تاپ خانواده، میزهای فوتبالی دستی، شطرنج و پینگ‌پنگ مجهز است. اگر اهل طبیعت‌گردی هستید پیاده‌روی در هوای مطبوع این مجموعه را از دست ندهید.

باغ پرندگان و پارک جنگلی لویزان یکی از جاذبه‌های گردشگری شرقی تهران، باغ پرندگان است که در دل جنگل‌های لویزان قرار دارد. در ایام تعطیلات نوروز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌توانید هم از فضای ۱۱۰۰ هکتاری جنگل لویزان لذت ببرید هم از فضای بکر طبیعت این باغ که سقف آشیانه‌های پرندگان آن با ساقه‌های برنج پوشانده شده و نمای زیبا و خاطره‌انگیزی را پیش رو می‌گذارد. این باغ ۲۳ هکتاری که بیش از ۷۰ گونه پرنده را در خود جای داده، طراحی زیبا و منحصر به فردی دارد و وجود سایه‌بان‌هایی از جنس چوب، نی و پوشال، نیمکت‌های چوبی با طراحی متنوع، آلاچیق‌های چوبی، آبشارهای کوچک و زیبا و طراحی هوشمندانه برکه‌ها و پل‌های چوبی بخشی از زیبایی‌هاست.



دوچرخه‌سواری در بیست‌های حرفه‌ای هم علاقه دارید می‌توانید از امکانات موجود در این زمینه در پارک ملی سرخه‌حصار بهره‌مند شوید.

عمارت قاجاری در محله مبارک آباد عمارت «عین‌الدوله» بنایی تاریخی رنگ و زیبا با مساحت ۸۰۰ مترمربع است که در دو طبقه در محله مبارک آباد ساخته شده است. این عمارت در اواخر دوره قاجار به دستور عین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه بنا شده است.
این اثر تاریخی با قدمتی نزدیک به یک قرن، دارای معماری خاص دوران قاجاریه است و سالن‌های مجلل و آینه‌کاری شده، اتاق‌های متصل به هم با درها و پنجره‌های هلالی شکل و بالکن‌های بزرگ رو به باغ، بخش‌های مختلف آن هستند. در حال حاضر نگارخانه برگ و کارگاه مجسمه‌سازی در این بنا دایر است.

چهارشنبه‌های گردشگری مجازی شهروندان منطقه ۸ می‌توانند نوروز به یاد ماندنی را با ویژه‌برنامه‌های گردشگری مجازی در منطقه ۸ سپری کنند. ویژه‌برنامه «چهارشنبه‌های گردشگری مجازی» طرحی است که در روزهای یکشنبه و چهارشنبه هر هفته در صفحه اینستاگرام ejtmaee.reg.8 ارائه می‌شود و شهروندان می‌توانند از این برنامه‌ها بهره‌مند شوند. در مناسبت‌های مختلف تا پایان دوران کرونا ویژه‌برنامه‌های خاصی برای شهروندان تدارک دیده شده است که در این شرایط اوقات فراغت شهروندان تأمین شود.



ویژه برنامه‌نویزی کتابخوانی در نوروز امسال برای ترویج فرهنگ کتابخوانی در بین شهروندان هم برنامه‌های مجازی متعددی تدارک دیده شده است. از جمله، در راستای تحقق شعار «برای مقابله با ویروس کرونا در خانه بمانیم» ویژه‌نامه نوروزی کتابخوانی در ایام نوروز توسط شهرداری منطقه ۱۵ تدارک دیده شده است. در قالب این برنامه، تلاش شده تا کتاب‌های شاخص و ارزشمند در حوزه‌های متنوع به شهروندان معرفی شود. کتاب‌ها مطابق با گروه‌های سنی مختلف در نظر گرفته شده تا همه شهروندان بتوانند از کتاب به‌عنوان یار مهربان در شرایط ویژه کنونی بهره‌مند شوند. شهروندان می‌توانند با مراجعه به کانال معاونت اجتماعی از طریق <http://t.me/ejt15> از این خدمات بهره‌مند شوند.
در زیر بخشی از جاذبه‌های گردشگری مناطق معرفی شده است که در صورت موافقت ستاد ملی کرونا در ایام نوروز شهروندان می‌توانند از این جاذبه‌ها بازدید کنند.



● صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
● مدیر مسئول: نیلوفر قدیری
● سردبیر: مهدی علیپور

● دبیر تحریریه: علی‌الله سلیمی
● تحریریه: پروانه بهرام‌نژاد
پریسا نوری / سارا جعفرزاده
مژگان مهرابی / فهیمه شیرازی

● مدیر هنری: کامران مهرزاده
● صفحه‌آرایی: محمدرضا محمدی‌تاش / علی حسینی / امیلاد رفیعی
● فائزه توکلی
● حروفچینی و تصحیح: منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان

● نشانی: خیابان ولی‌عصر (عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● کد پستی: ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● صندوق پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● تلفن: ۰۲۳۰۲۳۱۰۰ ● دورنگار: ۰۲۳۰۲۳۴۸۸



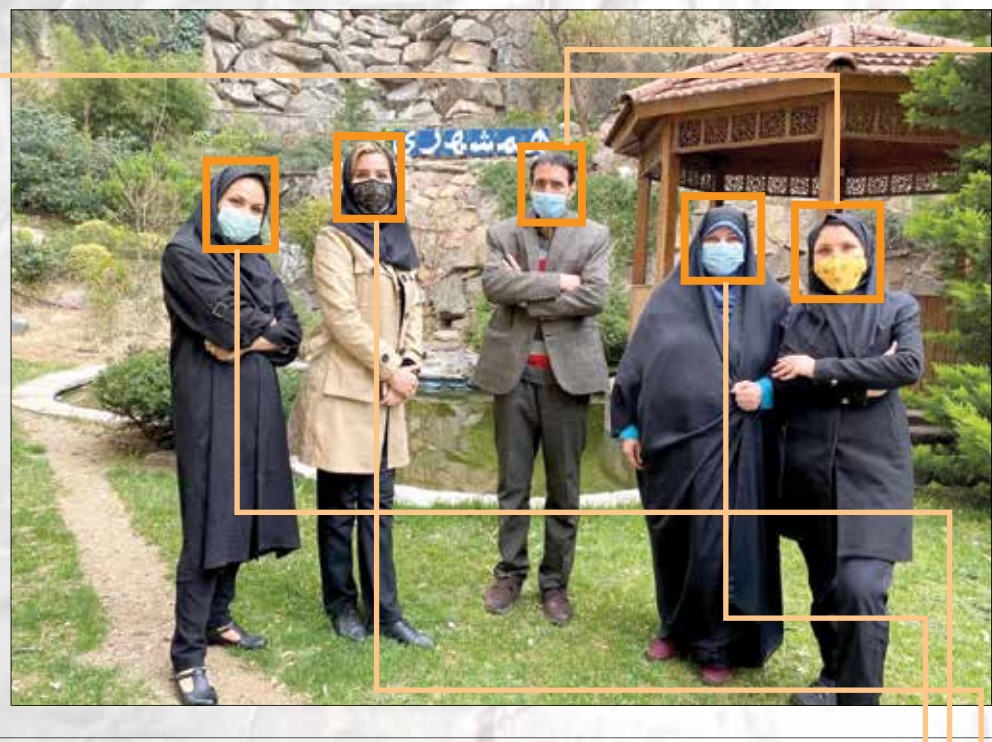
زندگی به وقت بهار

سالی که آخرین روزهایش را سپری می‌کنیم، سیلی محکمی به ما زد و چنان بقیه‌مان را سفت چسبید و گوشه دیوار نگاه‌مان داشت تا کم بیاوریم اما به مدد ایزد یکتا خیلی‌هایمان ماندیم و ایستادیم و تا این لحظه نفس‌مان از شماره نیفتاده‌است (بعد از این را هم خدا عالم است). در این سال که هر لحظه‌اش رنج کشیدیم و نظاره‌گر غم هم‌نوعان و گذر از تنگناهای مختلف بودیم و دلوایس بروز اتفاق ناگوار برای خود و عزیزانمان، اما با همان اندک خبرهای مثبت در لابه‌لای آندوه بی‌شمار که به گوشمان رسید هم دل خوش شدیم. همین کم شدن تعداد درگذشتگان کرونا نیز امیدبخش‌مان بود. چراکه آدم بدون امید چه آسان راه را گم می‌کند. اینک که بهار دلنشین در راه است و با خود نسیم دل‌انگیز حیات دوباره می‌آورد و آوای خوش زندگی نغمه‌سرای و زمین با نوزایی، زیبایی‌اش دل‌فریبی می‌کند، امیدوارم روزگار روی شیرینش را به مردم ایران زمین نشان دهد و این تازه بهار، نشاط دوباره را به زندگی‌هایمان تزریق کند و الهام بخش نیکی و خیرخواهی شود. کاش بتوانیم با خودمان قرار بگذاریم اگر در آخرین سال قرن، فرصت حیات پیدا کنیم، هر لحظه‌اش را جاتانه زندگی کنیم و یادمان باشد همه چیز رفتنی و فرو ریختنی است، حتی رنج‌های جانکاه و خوشی‌های روح‌افزا و در نهایت آن کسی کام‌روا می‌شود که از خود رد پای خوب به یادگار بگذارد. به سان آنچه پیش‌تر چنین زیبا سروده شده: زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست / هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود / صحنه پیوسته به چاست / خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد...

پروانه بهرام‌نژاد - خبرنگار

نشریه‌ای که سه‌شنبه‌ها به دست شما می‌رسد، حاصل تلاش و زحمات افرادی است که تعدادی از آنها همین چند نفری هستند که در این سطرها و به کمک واژگان این‌گونه ارادت خود را به شما اعلام و نوبهار را تبریک گفته‌اند. خبرنگارانی که حتی کرونا هم آنها را از انجام رسالتشان باز نداشت و همواره در کنار شما بوده و برای شما نوشته‌اند و امیدوارند در سال پیش رو نیز همراه‌تان باشند.

یاران همراه شرق پایتخت



علی‌الله سلیمی - دبیر

مژگان مهرابی - خبرنگار

قدر با هم بودن را بیشتر بدانیم

سال ۹۹ هم تمام شد. روزهای آن برق‌آسا یکی پس از دیگری سپری شدند، بی آن که متوجه گذشتن‌شان شوم. تنها چیزی که برایم باقی ماند خاطرات تلخ و شیرینی است که در گنجینه ذهنم به یادگار سپرده می‌شود. خاطرات خوش من در سالی که گذشت حضور در محل کار و دیدن دوستانم بود و شنیدن صدای عزیزترین کسانم،

پریسانوری - خبرنگار

ای سال نحس بری که برنگردی...

سال ۹۹ در سرآشویی پایان افتاده و شبکه‌های اجتماعی پر شده از مطالبی مثل «چیزی به پایان سال نحس نمانده، مراقب باشید نحسی این سال در روزهای آخر دامن‌گیرتان نشود...» یا «ای سال نحس بری که برنگردی» و جملاتی شبیه این. خلاصه که این روزها همه مشغول نفرین کردن این سال بخت برگشته‌اند و فرش قرمز برای سال جدید پهن کرده‌اند. درست مثل پارسال و

سارا جعفرزاده - خبرنگار

استقبال از بهار با داستانی پر از سوسن

بهار به نشانه نو شدن از راه می‌رسد شاید به این معنا که هر چیز کهنه‌ای را نمی‌توانیم با خود به استقبال بهار ببریم. پس چه بهتر هر نشانه‌ای از یاس و ناامیدی را رها کنیم و با قلب آکنده از امید و داستانی پر از سوسن به استقبال بهار برویم. ای کاش سال گذشته را پروردگار جز عمرمان حساب نکند سالی که حتی از آغوش گرفتن عزیزانمان هراس داشتیم و با ترس و دلهره فقط زنده بودیم و زندگی نکردیم هر چند همین نعمت زنده بودن را بسیاری از اطرافیانمان

سال‌های پیش و... به حافظه‌مان که رجوع کنیم، کمتر سالی بوده که موقع وداع لعن و نفرینش نکرده باشیم؛ بی‌توجه به اینکه زمان یک طیف به هم پیوسته است و تقسیم‌بندی آن براساس سال‌های تقویمی، قرارداد بین خودمان است برای فهم و درک و معنی‌دار کردن آن. این‌طوری قضیه ترسناک‌تر می‌شود. این یعنی زندگی بی‌توجه به ناله و نفرین‌های ما، زحمت کوچک‌ترین تغییری به خودش نمی‌دهد و همین‌طور بی‌رحم و قلندر هر بار غم و درد تازه‌ای بر سرمان آوار می‌کند. البته شاید زندگی قصد آزار ما ندارد، فقط می‌خواهد این درس را به ما بدهد که تا خودمان تغییر نکنیم هیچ چیز عوض نمی‌شود...

از دست دادند. مدام نگران از دست دادن عزیزانمان بودیم اما بودند کسانی که تنها عزیز زندگی‌شان را از دست دادند. شخصاً سال گذشته برایم به سختی گذشت نفس کشیدن برایم سخت بود، با ترس همه جا حاضر می‌شدم و بگذریم اینک بهار در راه است و چه کنیم که داتما حال دوران یکسان نمی‌ماند و ما هم باید پا به پای بهار به استقبال طراوت و شادی برویم. امای کاش بیاموزیم که با آمدن فصل جدید ما هم تازه شویم رفتارهای کهنه و تاریخ مصرف گذشته را دور بریزیم و مهر و وفا را سرلوحه زندگی قرار دهیم. آخر وقت جبران اندک است. امید و ایمان دارم دوباره بدون هراس عزیزانمان را در آغوش می‌کشیم که چیزی بالاتر از این نیست و چه خوب که سال نو را به امید سلامتی و شادکامی برای تمام انسان‌ها آغاز کنیم.